

دست «شیطان بزرگ» را وارثان خمینی چگونه خواهند فشود؟!

تحريم های اقتصادی، واضح است که این اقدام امتیاز مهم دیگری است که آمریکا برای آنکه "حسن نیت" خود را در عمل به اثبات رسانده باشد، به جمهوری اسلامی داده است. واقعیت آن است که آمریکا خواستار مذاکرات رو در رو پایان خیمه شب بازی و روابط پنهانی و با واسطه و برقراری مناسبات مستقیم رسمی و دولتی دو جانبی است. شرکت ها و انحصارات مالی آمریکائی نقی خواهند بیش از این صحنۀ اقتصادی ایران انحصاراً در چنگ رقیبانشان

صفحه ۳

با انتشار فهرستی ازسوی وزارت خارجه آمریکا که در آن نام شورای ملی مقاومت مجاهدین در ردیف سازمانهای "تپوریستی" قرار داده شده است، دولت آمریکا گام مهم دیگری در راستای عادی سازی و تعمیق مناسبات خود با جمهوری اسلامی برداشت. کمی بیش از یک سال قبل، نام سازمان مجاهدین در لیست تپوریست ها و سازمان های تپوریستی گنجانده شده بود و اکنون نام شورای ملی مقاومت که سهوا" (۱) در این لیست از قلم افتاده بود، به آن اضافه شد. بعد از نشان دادن پاره ای نرم‌ش ها نسبت به

مناسبات جمهوری اسلامی و دولت فرانسه

در اوائل آبان ماه، سفر خاتمی به فرانسه و مناسبات جمهوری اسلامی با دولت فرانسه در صدر اخبار مطبوعات دو کشور و بدخی خبر گزاریهای جهان قرار گرفت. مطبوعات، گزارش های مفصلی از این سفر و اهمیت آن در عرصه های اقتصادی و دیپلماتیک برای جمهوری اسلامی منتشر ساختند. خاتمی که به دعوت دولت فرانسه عازم این کشور شد، مورد استقبال گرم مقامات رسمی قرار گرفت. اوردیدار با شیراک و نیز رئیس مجلس سنای خواستار گسترش هرچه بیشتر مناسبات بین جمهوری اسلامی و فرانسه شد و آنها نیز به سهم خود از این گسترش مناسبات استقبال کردند. درواقع نیز این هردو دولت شدیداً به این گسترش مناسبات نیاز دارند.

رژیم جمهوری اسلامی که با یک بحران عیق اقتصادی رو بروست و در تلاش است موقعیت بین‌المللی خود را بهبود بخشد، نیازمند توسعه این مناسبات در زمینه های اقتصادی و سیاسی است. محمد خاتمی به نمایندگی از جمهوری اسلامی اولاً می خواهد با جلب حمایت انحصارات، زمینه را برای صدور هرچه بیشتر سرماهی های فرانسوی به ایران هموار کند، تا شاید بحران اقتصادی موجود را مهار کند. ثانیاً او می خواهد با گسترش مناسبات سیاسی دیپلماتیک با قدرت‌های امپریالیست جهان، موقعیت بین-

-المللی رژیم را که قطعاً "برموقعیت داخلی آن نیز تاثیر خواهد گذاشت بهبود بخشد، ثالثاً" موقعیت خود را در دستگاه دولتی جمهوری اسلامی مستحکم سازد.

برای فرانسه آنچه که بیش از هرچیز در این بسط

و توسعه مناسبات، حائز اهمیت است، منافع

انحصارات فرانسوی و تلاش برای کسب سهم

بیشتر از بازار ایران در جریان رقابت شدید

انحصارات بین‌المللی است. انحصارات فرانسوی

صفحه ۲

در این شماره

تاریخ مختصر جنبش بین‌المللی کارگری (۴)

پاسخ به سوالات

گفتگو با «دیتا ساری» از رهبران اتحادیه های کارگری اندونزی

گزیده ای از نامه های رسیده

اطلاعیه و فراخوان

اخبار کارگری جهان

اخبار از ایران

نقش اعتصاب عمومی سیاسی در روند سرنگونی جمهوری اسلامی

اکنون دیگر همگان می‌پذیرند که جمهوری اسلامی با بزرگترین بحران سیاسی تمام دروان حیات خود رو بروست. ابعاد و ژرفای این بحران تا به آن حد است که حتی هیئت حاکمه نیز به واقعیت وجودی آن اعتراف می‌کند و جناح های هیئت حاکمه هریک به شیوه خود راه حلی برای مهار آن و نجات رژیم ارائه می‌دهند. با این وجود، برغم تلاش های هیئت حاکمه و استفاده از سیاستها و تاكتیک های مختلف، بحران تداوم یافته، پیوسته ژرف تر شده و ابعاد باز هم وسیع

صفحه ۸

آکسیون های اعتراضی در خارج کشور علیه سفر خاتمی به فرانسه

صفحه ۱۴

صفحه ۵

صفحه ۱۶

صفحه ۷

صفحه ۱۰

صفحات ۱۰ و ۱۱

صفحه ۱۱

صفحه ۹



بورژوازی فرانسه به سود خود از بازار ایران می‌اندیشد

برغم اعتراض وسیع و گستره مخالفین جمهوری اسلامی و محافظ و شخصیت‌های دمکرات و بسیار دوست جهان به دعوت دولت فرانسه از محمد خاتمی رئیس جمهوری رژیم ضد انسانی و جنایتکار جمهوری اسلامی، دولت امپریالیست فرانسه، سیاست خود را عملی ساخت و امروزی وی با تشریفات رسمی وارد فرانسه شد.

این اقدام دولت فرانسه یک بار دیگر ادعای دروغین قدرتهای مرتمع و امپریالیست جهان را در مورد دفاع از حقوق بشر و مخالفت با پایالم شدن حقوق انسانی در کشورهایی نظیر ایران، در انتظار همگان برملا کرد.

نمایندگان سیاسی سرمایه‌داران فرانسه استقبال از آدمی را سازمان دادند که در رأس یکی از سرکوبگرایان رژیم‌های جهان قرار دارد. رژیمی که تا به امروز موجودیت خودرا با اختناق، سرکوب و کشتار مردم ایران حفظ کرده است. رژیمی که در طول بیست سال حیات ننگین‌اش دهها هزار تن از مردم ایران را به جوخه اعدام سپرده است. هزاران تن را به بند کشیده و شکنجه کرده است. رژیمی که ابتدائی ترین حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی را از مردم سلب کرده است. رژیمی که زنان ایران را از حقوق انسانی خود محروم کرده است. رژیمی که کارگران و زحمتکشان ایران را به فقر و سیه روی هولناکی سوق داده است.

روز روشن در خیابانها می‌رباید و به قتل می‌رساند. رژیمی که به تمام معنا مظهر بربیت و وحشی‌گری است. رژیمی که افکار عمومی جهان با نفرت و انزعاج به آن می‌نگرد. رژیمی که کارگران فرانسه به دفعات آنرا محکوم کرده‌اند اما این همه برای بورژوازی فرانسه فاقه ارزش است. مهم نیست که رژیم جمهوری اسلامی رژیمی خذ انسانی و جنایتکار است، مهم نیست که جمهوری اسلامی برای دست زدن به جنایات خود حتی حاکمیت بورژوازی فرانسه را نقض می‌کند، مهم این است که از طریق گم کردن مناسبات خود با جمهوری اسلامی چند میلیارد سود می‌تواند عاید خود سازد. برای سرمایه‌داران چیزی فراتر از سود و سرمایه نیست. سرمایه‌دار فرانسوی می‌خواهد سرمایه‌اش گردش کند، برای او مهم این است که سرمایه و کالای خود را صادر کند. مهم این است حجم مبادلات خود را افزایش دهد. مهم این است که در رقبای با سرمایه‌داران کشورهای دیگر سهم بیشتری از بازارهای ایران را به خود اختصاص دهد، و مهم این است که سودهای چندین میلیارد فرانکی عاید خود سازد. مگر بورژوازی فرانسه بخاطر همین سودها، بخاطر همین بازارها، بخاطر همین صدور سرمایه و کالا، در جنگ‌های چهانی شرک نکرد و در کشتار میلیون‌ها انسان را در مستعمرات به بند نکنید و جنگهای کشیشی برای کشتار مردم مستعمرات براه نیاناخت؟ مگر بورژوازی فرانسه در طول تمام دوران موجودیش دهها بار کارگران را سرکوب و کشتار نکرده است؟ پس حالا هم که خبلی «متند» شده است و سنگ حقوق پسر و پایمال شدن حقوق انسانی را به سینه می‌زند، می‌تواند با خیالی راحت و آسوده با جنایتکاران حاکم برایران دست بدد، قرارداد بینند، سرمایه صادر کند، برای پیش‌گرفتن بربایی خود را للاش کند و از قبیل استثمار کارگران ایران میلیاردها فرانک در هر سال سود به جیب بزند. این خوب همه سرمایه‌داران است و سرمایه‌داران فرانسوی هم استثناء نیستند. بورژوازی فرانسه با دعوت از خانمی دید دیگری را نیز دنبال می‌کند. تمام قدرتهای امپریالیست جهان و از جمله امپریالیسم فرانسه در تلاش‌اند با تقویت خاتمی و حمایت از او، مانع شعله‌ورشدن انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی شوند. آنها بیم که از دل انقلاب ایران، قدرت اقلایی کارگران و زحمتکشان سیر آورد که منافع همه مرجعین را در ایران و جهان بخطر اندازد. اما همانگونه که تاکنون تلاش قدرتهای امپریالیست جهان برای نجات جمهوری اسلامی از بحران با شکست روپرورد شده است، اکنون نیز نتیجه‌ای عاید آنها نخواهد شد و دور نیست روزی که کارگران و زحمتکشان ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی پایخیزند و قطعاً آنروز دیگر جانی برای سرمایه‌های انصارات بین‌المللی و چپاول و غارت و استثمار مردم ایران وجود تحوّل داشت.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۳۲۸/۸/۵

کار- فان - آزادی - حکومت شورائی

گروهی از فرانسویان نیز در اعتراض به دعوت دولت فرانسه از خاتمی وحضور وی در فرانسه، دست به اعتراض، تجمع و تظاهرات زدند. با این همه می‌بینیم که آیا جمهوری اسلامی به اهداف خود رسیده است و می‌تواند از طریق گسترش مناسبات بویژه در عرصه اقتصادی خود را از چنگال بحران‌های موجود، از جمله بحران اقتصادی نجات دهد. پاسخ روشن است، به گواه تاریخ تمام دوران زمامداری جمهوری اسلامی، این رژیم قادر نیست بر بحران اقتصادی غلبه کند، چرا که رویانی سیاسی موجود، دولت مذهبی یعنی جمهوری اسلامی مانع بر سرراه آن است. غلبه بر این بحران بویژه امروزکه رژیم با یک بحران سیاسی نیز روپرست به مرابت دشوارتر است. موقعیت داخلی و بین‌المللی رژیم نیز نه از طریق قدرت های امپریالیست بلکه از طریق مبارزات مردم تعیین خواهد شد. لذا زیر فشار این مبارزات تمام تلاش محمد خاتمی برای نجات رژیم نقش برآب خواهد شد.

هوایپمای ارباس به ارزش ۴۸۰ میلیون دلار بسته شده است و کمپانی آستون نیز تعدادی موتور لکوموتیو به ارزش بیش از ۲۰۰ میلیون دلار به جمهوری اسلامی فروخته است. معلوم است که انصارات فرانسوی باید از این گسترش مناسبات بسی خرسند باشند. یک بار وام می‌باشد. دهند و بهره‌آنرا می‌گیرند. کالاهای خود را با همین وامی که داده اند می‌فروشند و دو باره می‌باشند. سهمی که از سرمایه گذاری و صدور سرمایه مولد بجیب میزند دیگر بی‌حساب و کتاب است. پس روشن است که دولت فرانسه و انصارات این کشوری اسلامی از اوبعمل از آفای خاتمی دعوت کند، استقبال گرمی از این گسترش را با سران انصارات فرانسوی درمیان بگذارد. اوردن شستی که با مدیران بزرگترین انصارات فرانسوی از جمله توtal، آستون، پیووستروئن، پاری با، آریان اسپیس داشت، از آنها دعوت نمود که بر حجم سرمایه گذاری های خود در ایران بیافزایند و از تسهیلات بیشتری برخوردار شوند. انصارات فرانسوی استقبال کردن و عجالتاً برای آنکه حسن نیت خود را به نماینده حکومت اسلامی نشان دهند، بانکهای فرانسوی یک وام نزدیک به یک میلیارد دلاری را به جمهوری اسلامی اختصاص دادند. در جریان همین سفر معلوم شد که قرار دادهای جدیدی میان انصارات فرانسوی و جمهوری اسلامی منعقد شده است. از جمله قراردادی برای خرید ۴ فروند

مناسبات جمهوری اسلامی و دولت فرانسه

نه تنها با انصارات کشورهای دیگر اردوپائی و نیز روسیه و ژاپن درگیر رقابتی شدید بر سر بازار ایران هستند، بلکه از آن بیم دارند که اگر دیربجنبد و مناسبات جمهوری اسلامی با آمریکا بهبود یابد، در آن صورت بازار ایران نیز همانند اغلب کشورهای منطقه عمدتاً به اشغال انصارات آمریکائی در آید. از این رو حدوداً همزمان با روی کار آمدن محمد خاتمی، دولت فرانسه کوشیده است که مناسبات خود را با جمهوری اسلامی گسترش دهد و انصارات اقتصادی این کشور نیز در تلاش بوده اند قرار دادهای هر چه بیشتری با رژیم منعقد سازند و بر حجم صدور سرمایه و کالاهای خود به ایران بیافزایند. در این دوره، حجم کلانی از سرمایه فرانسوی به ایران صادر شده است که عمدتاً در رسته های نفت، گاز و پتروشیمی سرمایه گذاری شده است. بر طبق گزارش وزارت نفت حکومت اسلامی، انصار نفتی توtal در اواسط سال ۷۵ با انعقاد یک قرارداد یک میلیارد دلاری، آغاز به سرمایه گذاری و بهره برداری از میدانی نفتی سیری نمود. یک سال بعد همین انصار، به همراه دو شرکت روسی و مالزی، قراردادی به ارزش ۲/۵ میلیارد دلار برای سرمایه گذاری در میدان گازی پارس چنوبی، با رژیم جمهوری اسلامی منعقد نمود. در اواخر سال گذشته نیز قرارداد توسعه میدان نفتی دورود امضا شد که شرکت نفتی الف آکتین و اجیپ ایتالیا در آن شرکت دارند. در صنعت پتروشیمی هم شرکت‌های فرانسوی متجاوز از نیم میلیون دلار سرمایه گذاری کرده اند و هم اکنون نیز بانک فرانسوی سوسیتی جنرال و بی - ال - پی در حال مذاکره برای دادن اعتبار بیشتر برای سرمایه گذاری در این رشته هستند. شرکت فرانسوی گس دو فرانس، سرمایه گذاری خود را در رژیمینه استخراج و صدور گاز متکرکز کرده است و بالآخره انصارات خود را بخود اختصاص داده اند. حجم مبادلات ایران را بخود کشور نیزکه عمدتاً شامل صدور بازرگانی و کالاهای فرانسوی است. بدون محاسبه نفت، در شش ماه نخست سال جاری به رقمی حدود ۲۲۰ میلیون دلار رسیده است. اما گویا نه انصارات فرانسوی به این حجم از صدور سرمایه و کالا قانع هستند و نه جمهوری اسلامی. لذا محمد خاتمی در جریان سفر خود کوشید این مسئله را با سران انصارات فرانسوی درمیان بگذارد. اوردن شستی که با مدیران بزرگترین انصارات فرانسوی از جمله توtal، آستون، پیووستروئن، پاری با، آریان اسپیس داشت، از آنها دعوت نمود که بر حجم سرمایه گذاری های خود در ایران بیافزایند و از تسهیلات بیشتری برخوردار شوند. انصارات فرانسوی استقبال کردن و عجالتاً برای آنکه حسن نیت خود را به نماینده حکومت اسلامی نشان دهند، بانکهای فرانسوی یک وام نزدیک به یک میلیارد دلاری را به جمهوری اسلامی اختصاص دادند. در جریان همین سفر معلوم شد که قرار دادهای جدیدی میان انصارات فرانسوی و جمهوری اسلامی منعقد شده است. از جمله قراردادی برای خرید ۴ فروند

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتضاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

زمینه محدود کردن فعالیت مجاهدین وشورای ملی مقاومت آنها و سخنان مارتن ایندیک که گفته بود " ایالات متحده آمریکا باردیگر ایران را به گفتگو براساس اصل برابری و احترام مقابل فرامیخواهد " گفت " ما از ابتكارات جدید آمریکا استقبال می کنیم و آن را ابتكاری مثبت میدانیم ! " بهر حال این گونه موضعگیریها نه فقط حاکی از یک رشته تغییرات و اختلافات در درون این جناح است، بلکه در عین حال گواه آن است که درکل، مخالفت آنها در این زمینه نسبت به دو سال قبل بسیار رقیق شده و تعدیل یافته است.

توافق دولت های ایران و آمریکا

جمهوری اسلامی که با یک بحران عمیق اقتصادی و دشواریهای شدید مالی رو بروست، نمیتواند بر " ابتكارات " طرف مقابل چشم فرو بند و لو آنکه این طرف ، "شیطان بزرگ" باشد. سر ان رژیم این موضوع را خوب می فهمند و در این دو سال اخیر نیز بخشا "تجربه کرده اند، که چند و چون مناسبات با آمریکا و یا مواضع و سیاستهای آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی، صرفاً در رابطه آمریکا و ایران خلاصه و محدود نمی شود، بلکه این مسئله تاثیرات بسیار مهمی بر سایر کشورها از جمله کشورهای اروپائی و کشورهای منطقه نیز بر جای می گذارد، همانطور که تا کنون هم گذاشته است. از زمان روی کار آمدن خاتمی و بهبود نسبی مناسبات ایران و آمریکا، مناسبات جمهوری اسلامی با دول اروپائی نیز بیشتر و سریع تر بهبود یافته است و هم اکنون دست کم با آن کشمکش ها و تنش های گذشته همراه نیست. اگرچه بکل فارغ از تنش و کشمکش هم نیست، اما نسبت به چند سال گذشته آشکارا تعديل یافته است. هم اکنون برغم موضعگیری های گاه و بیگانه پارلمان اروپا علیه جمهوری اسلامی، اصلی ترین دولتهای اروپائی مثل انگلیس، آلمان، ایتالیا، فرانسه، اتریش، هلند و امثال آن دست اند رکار ایجاد مناسبات گرم و "دوستانه" ! با جمهوری اسلامی اند و غالباً این مناسبات را در عرصه های سیاسی و اقتصادی برقرار کرده اند. علاوه بر این از تنش های گذشته میان جمهوری اسلامی و عربستان سعودی، میان جمهوری اسلامی و امارات متحده عربی و سایر دول عربی نظیر مصر و اردن و غیره نیز به نحو چشمگیری کاهش یافته است . نزاع های لفظی جمهوری اسلامی با دول همسایه نظیر ترکیه ، افغانستان و عراق نیز تا حد زیادی کاهش یافته است حتی اسرائیل هم از شدت حملات خویش به جمهوری اسلامی کاسته است و مدهاست که به تبلیغات جانبدارانه ای به نفع جناح خاتمی روی آورد است. جمهوری اسلامی از نفوذ آمریکا بر دول های منطقه و نقش موثر آن بر هم پیمان اروپائی اش بی خبر نیست و این را می فهمد که بدون توافق ضمنی یا غیرضمونی آمریکا هیچیک و یا تقریباً هیچیک از این تغییرات بدین نحو شدنی نبود. اینها در واقع امریبه نحوی پاداش تغییراتی بوده است که آرام آرام در سیاستهای جمهوری اسلامی حاصل شده است. اکنون دیگر از دعاوی " ضد امپریالیستی " رژیم که از روز اول هم ادعائی پوچ و میان تهی بیش نبود، نشانی باقی نمانده است. ادعای فوق که اساساً از یک موضع ارجاعی مطرح میشد، در واقع تاکتیکی بود برای حفظ حاکمیت رژیم. این تاکتیک اما اکنون دیگر کارآئی خود را مطلقاً از دست داده است . در

دست « شیطان بزرگ » را وارثان خمینی چگونه خواهند فشود ؟ !

حال که به جمهوری اسلامی می فهماند عدم پذیرش این پیشنهادات و سیاستها برایش میتواند مشکل آفرین باشد، در عوض مزایای پذیرش آن را از قبیل ایجاد تسهیلات برای اعطای وام های بین المللی، پایان قطعی و کامل تحریمهای اقتصادی، گسترش همکاریهای اقتصادی و سرمایه گذاری و نظائر آن را نیز به جمهوری اسلامی یادآور میکند. در یک کلام آمریکا از سیاست چmac و نان قندی و لو نه به یک نسبت اما به موازات هم استقاده می گذارد. با این همه باید تصریح کرد که تهدیدات آمریکا، بیش از آنکه جدی باشد و یا بخواهد جنبه عملی بخود بگیرد، اساساً "برای تحت فشار قراردادن جمهوری اسلامی، تقویت موقعیت خاتمی و جناح وی در روند کشمکش های درونی رژیم است . بی دلیل نیست که این سیاست چmac و نان قندی، که وجه عملی شده آن همان نان قندی است، برغم آنکه بخشا "اختلافات داخلی رژیم را داده است، مورداستقبال جناح خاتمی قرار گرفته است .

"ابتكار" آمریکا و موقع جناح های حکومتی

بعد از ترویریستی خواندن شورای ملی مقاومت و ایجاد پاره ای محدودیت ها بر سر راه فعالیت آن، محاذل و نشریات طرفدار جناح خاتمی از این اقدام دولت آمریکا به گرمی استقبال کرده و آن را فرضی مناسب برای تجدید و تحکیم مناسبات با آمریکا دانستند. با توجه به سابقه و موضع قبلی طرفداران خاتمی در دو سال اخیر، همین موضعگیری که آنان صریح تروپرحرارت تر از گذشته دولت جمهوری اسلامی را به مذاکره شده با سیاستهای خود به اتفاق کامل بکشاند. از همین روزت که می بینیم همزمان با تبلیغ علیه سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت آنها، داستان سه سال پیش یعنی انفجار پایگاه هوایی آمریکا در ظهران عربستان سعودی و موضوع دخالت مقامات ایرانی در آن برغم آنکه "مقامات ایرانی" دخالت در آنرا انکار کرده اند ! به میان کشیده می شود و به بهانه انجام تحقیقات در مورد این مسئله و کمک یا همکاری ایران به روند تحقیقات، دولت آمریکا می خواهد جمهوری اسلامی را به پای میز مذاکره مستقیم بکشاند. در این مورد جیمز روبین سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به سؤال یک خبرنگار در مورد نامه کلینتون به خاتمی میگوید، آمریکا سالهای است که از این گونه پیامها می فرست، اما اکنون مسئله این است که اگر بخواهیم از مرحله بیانیه های بی حاصل و شعاری گذرگینیم، باید رودرورب گفتگو بشنیم! در تعقیب همین سیاست است که آمریکا حتی تا تهدید جمهوری اسلامی با اقدامات نظامی هم پیش میروند. جمیز روین ضمن ایران نارضایتی از اینکه جمهوری اسلامی آمادگی خود را برای گفتگوی رسمی اعلام نکرده است و در پاسخ به این سؤال که اگر دست داشتن ایران در انفجار ظهران ثابت شود آیا آمریکا دست به عملیات نظامی میزند یا نه ؟ می گوید "نمی خواهمن آن چیزی را که هنگام کامل کردن تحقیقات خود انجام خواهیم داد پیش بینی کنم اما زمانی که تشخیص دهیم در تامین منافع مان ناگزیر از عملیات نظامی هستیم در کاربرد آن هیچ تردیدی نخواهیم کرد" خلاصه آنکه دولت آمریکا در همان

پیچیدگی پرونده قتل های زنجیره ای در چاست؟

عجین بوده است. قتل های زنجیره ای سال گذشته، در تداوم ترور دهها نویسنده همانند احمد میر علائی، ابراهیم زال زاده و سایر مخالفان رژیم، توطئه سقوط اتوبوس حامل نویسندها بهدره، و ترور فعالان سیاسی در خارج کشور صورت گرفتند. اما این قتلها، که با هدف مرعوب کردن جنبش روشنگری و توده ای صورت می گرفت، نتیجه ای عکس آنچه رژیم انتظار داشت، به بار آورد. موجی از اعتراض و انزعجار در ایران و خارج کشور به راه افتاد. رژیم چنان در مخمصه قرار گرفت که ناگزیر شد در دیمه سال گذشته اعلام کند این قتل ها توسط ماموران وزرات اطلاعات صورت گرفته است. هرچند که در همان اطلاعیه با نسبت دادن قتل ها به "همکاران مسئولیت نشناش، کج اندیش و خودسر" وزارت اطلاعات که "اللت دست عوامل پنهان قرار گرفته و در جهت مطامع بیگانگان دست به این اعمال زده است"، تلاش شد تا وزارت اطلاعات و بطوط خاص و زیر اطلاعات را از زیر ضرب خارج سازند، اما نفس پذیرش این مسئله که ماموران سوا امام دست اندر کار اینگونه قتلها هستند، حکومت را اسیر چنان گردانی کرده است که طی یکسال گذشته، هرچه تلاش کرده به نحوی از آن خلاصی یابد، بیشتر به اعمق آن کشیده شده است.

از همان ابتدا، همه میدانستند که قتلها به دستور و با اطلاع بالاترین مقامات حکومت طراحی، تصویب و اجرا می شود. در دادگاه میکونوس که به پرونده ترور قاسملو و همراهانش توسط آدمکشان جمهوری اسلامی رسیدگی کرد، نمودار تشکیلاتی شبکه ای از طرحان، تصمیم گیرندگان، فتوا دهنگان و مجریان ترور های سیاسی بر ملا شد. اثبات شد که قتل مخالفان در داخل و خارج ایران، در کمیته ای مرکب از مقامات رده اول حکومت طرح ریزی و بررسی می شده، به تصویب رهبر می رسیده و سپس برای اجرا به وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و سایر دستگاه های ترور و سرکوب ارجاع می شده است. اما علیرغم روش بودن این مسئله، وزرات اطلاعات از عناصر "خودسر" این وزارت خانه سخن میگفت که بدون اطلاع مسئولان بالاتر، و در روابط "محفلی" دست به این اعمال زده اند. کمیته تحقیق جناب رئیس جمهورهم همین ادعا راتائید کرد. خاتمه در روز های نخست پس از موقع این جنایات وحشیانه، در نقش ناجی خانواده های قربانیان ترورها، به روال معمول و عده داد که تا شناسائی عوامل اصلی این "جنایات نفرت انگیز" از پای نخواهد نشست. کمیته تحقیق او نیز پس از صدور بیانیه وزارت اطلاعات، اعلام کرد "تصمیم گیری های افرادی که قتل ها را سازماندهی و اجرا کرده اند، بصورت محفلی بوده" و "هیچگدام از گروهها و جناب های سیاسی در این کار به هیچ عنوان دخالت نداشته اند".

کمی بعد، دادستان نظامی تهران از بیان داشت ۱۰ تن در این رابطه خبرداد، و گفت بر مبنای تحقیقات انجام شده از این افراد روش شده است که فتوا و احکام شرعی برای انجام این قتل ها صادر نشده است. اطلاعیه های بعدی، فاقد هرگونه اطلاعاتی در باره طرحان، تصمیم گیرندگان و مجریان ترورها بود و در آنها جابجا تاکید شده بود که رسیدگی به این پرونده به وقت زیادی

ناهخوان و متضاد بوده است، اما این رژیم، بر رغم تبلیغاتی که برخی دول امپریالیستی ندارد و امپریالیسم آمریکا نیز هیچگونه تضاد ماهوی با آن نداشته است. از همین جاست که

برخی دول امپریالیستی بخاطر رهبر بودنش هم که شده، از "مبارزه با استکبار"! دم میزند و معدودی را به جلو سفارت آمریکا می فرستد، اما این شعار را به یک شوخی مسخره بیشتر شباخت دارد تا مستلزم جدی، هیچ کس جدی نمیگیرد علاوه براین دست اندرکاران و مجریان اخیر و تظاهرات اعتراضی و رادیکال دانشجویان و توده های معارض، بردول امپریالیستی مسلم شدچنانچه کاربه مسئله سرنگونی رژیم کشیده شود، در جریان ارتقاء جنبش رادیکال و انتقامی مردم معارض به یک انقلاب توده ای قهر آمیز، شیرازه کارنظام تمام از هم خواهد گستالت و اوضاع بکلی از دست نه فقط جریان به اصطلاح اصلاح گرای حکومتی و "البیرال" های حامی آن، و سایر طرفداران حفظ نظم موجود، خارج خواهد شد، چه بسا شعله های این حریق دامن همه حامیان خارجی این نظام را نیز خواهد گرفت و دست کم اینکه از این نمد کلاهی برای آنها ساخته نخواهد شد. چنین است که می بینیم آمریکا و سایر دول امپریالیستی نیز وضعیت موجود را غنیمت شمرده، جدی تر از گذشت، با گذشت والفت، وارد مناسبات با جمهوری اسلامی شده اند و یا به تعمیق و گسترش آن دست زده اند

تاریچار چوب همین رژیم، به اهداف امپریالیستی و غارتکرane خود جامد عمل پوشاند. جریان واقعی قضایا تا این لحظه به نحوی است که فرقاً "بدان اشاره شد. با اینهم واقعیت دیگر این است که بحران سیاسی و تضادهای درونی رژیم نیز در حال تشید شدن است. هیچ چشم اندانی بر پایان قطعی این تضادها که پژوهش تضادی بزرگ تر و اساسی تر یعنی تضاد میان اکثریت عظیم توده های زحمتکش مردم و رژیم مذهبی حاکم میباشد، گشوده نیست. باید دید که بر پست این تضادها، مذاکره مستقیم با آمریکا به چه شکل بیش خواهد رفت. باید دید داستان "شیطان بزرگ" و "شیخ "امام خمینی"، بینان گذار حکومت اسلامی تا چه حد از حافظه تاریخی گردانندگان حکومت اسلامی محو شده است! وارثان خمینی آیا همچنان به فشردن دستی که از سوی "شیطان بزرگ" بسوی آنها دراز شده است، درخفا اکتفا خواهد کرد، یا با دست دادن رسمی و علنی با "شیطان بزرگ" ، با امام و پیشوای خویش که جملگی خود را بمو منتبه می کند، برای همیشه وداع کرده، از حکومت اسلامی و "ارزش های آن" به یکباره دست خواهد شست!

زیر نویس:

۱_ مارتن ایندیک معاون وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به این سؤال که چرا شورای ملی مقاومت قبله در این لیست ذکر نشده بود گفت: "دلیل آن اساساً یک اشتباه اداری بود، دولت ایران این اشتباه را به ما گوشت کرد و ما بعد از بررسی آن را اصلاح کردیم"

۲_ سخنگوی وزرات خارجه جمهوری اسلامی در رابطه با سخنان مارتن ایندیک معاون وزیر خارجه آمریکا و دعوت ایران به مذاکره، خواسته بود که آمریکا برای اثبات "حسن نیت" خود "کامهای عملی معنی داری" بردارد.

دست «شیطان بزرگ» را
وارثان خمینی چگونه خواهند فشد؟!

بیستمین سالروز اشغال سفارت آمریکا در تهران، گرچه رهبر حکومت اسلامی بخاطر رهبر بودنش هم که شده، از "مبارزه با استکبار"! دم میزند و معدودی را به جلو سفارت آمریکا می فرستد، اما این شعار را به یک شوخی مسخره بیشتر شباخت دارد تا مستلزم جدی، هیچ کس جدی نمیگیرد علاوه براین دست اندرکاران و مجریان اصلی اشغال سفارت آمریکا، به پیروی از سیاست های خاتمی، دیگر حتی زحمت رفتن به جلو سفارت آمریکا را هم به خود نمی دهد. اگر جمهوری اسلامی از سیاست تشید تشنج در مناسبات با آمریکا، روزگاری می توانست در تثبیت و تحکیم وضعیت داخلی خود سو استفاده کند، امروز اما سیاست پایان و یا کاهش هرچه بیشتر این تشنج است که باستی همان نقش را ایفا کند. از همین جاست که جمهوری اسلامی سعی زیادی بکار برد است که حتی المقدور در سیاستهای رسمی اش، اصطکاکی با سیاستهای توسعه طلبانه دول امپریالیستی بویژه دولت آمریکا ایجاد نشود. موضوع به این هم خلاصه نمی شود، سران رژیم با راه اعلام اراده اند که طرف ایران هیچگاه خواهان قطع مناسبات با آمریکا نبوده بلکه این آمریکا بود که مناسبات خود را با جمهوری اسلامی قطع کرد. همین چند روز پیش خاتمی در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس و در پاسخ به خبرنگار روزنامه "وال استریت ژورنال" نیز این موضوع را تکرار کرد. او گفت "ما هیچ معنی برای روابط اقتصادی با کشورهای مختلف از جمله آمریکا نداریم بلکه آمریکائی ها ایران را تحریم کرده اند" وی خاطر نشان ساخت که این شرکت های آمریکائی هستند که از این مسئله متضرر می شوند و البته آنها را از زیان بیشتر برخدر داشت. خلاصه آنکه دولت ایران خواهان ایجاد تشنج و یا تشدید آن در رابطه اش با آمریکا نیست، بالعكس خواهان بحث و گفتگو و رفع دورت ها و برقراری مناسبات رسمی است.

دولت آمریکا نیز ولآنکه برخی از سناتور هایش به اول برایت نامه می نویسند و از نرمش در برابر جمهوری اسلامی و تندی نسبت به مجاهدین و شورای ملی مقاومت گله و انتقاد میکنند _ و این نشان میدهد کانحصارات مالی آمریکا نمی خواهد همه تخم مرغ ها را در یک سبد قرار دهد _ هیچ گونه تضاد و یا خصومت ماهوی با جمهوری اسلامی نداشته است و ندارد. آمریکا نیز در تعییب منافع خویش و به رغم تمامی محدودیت ها و تهدیدها، در عمل سیاست عادی سازی را پیش برده است سه سال پیش و بعد از انفجار پایگاه نظامی آمریکا در عربستان سعودی، با وجود آنکه اقدامات آمریکا علیه جمهوری اسلامی از تحریم های اقتصادی ایران فراتر رفت و آشکارا به تهدیدات نظامی ارتقا یافت، اما سیاستی که در عمل پیش رفته است خصوصاً در دو سال اخیر، سیاستی است که انحصارات مالی آمریکائی دیگر کرده اند، سیاستی است که مبتنی بر رفع موانع موجود میان دو دولت، ایجاد و گسترش مناسبات دوجانبه است. بتایران دو لتهای ایران و آمریکا، در این زمینه با هم توافق دارند. واقعیت آن است که رژیم جمهوری اسلامی، برغم آنکه یک حکومت شدیداً مذهبی و پان اسلامیستی است و برغم آنکه سیاستهای پان اسلامیستی اش کاه با سیاستهای دول امپریالیستی

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۴۱)

پرولتاوی روسیه به سوی کسب قدرت سیاسی

قدرت دوگانه

مواضع و سیاست های آنها بود. کنگره دهقانان، سیاستهای حکومت موقع بورژوازی را تائید و بر ادامه جنگ تاکید نمود. کنگره پیشنهاد بلشویکها را در مورد واگذاری فوری زمین به دهقانان نیز رد نمود و آنرا موقول به تشکیل مجلس موسسان نمود. بلشویکها برغم این که اقلیت بسیار کوچکی را تشکیل میدارند، فعلانه در مباحثت کنگره شرکت داشتند. سیاست حکومت موقع را افشاء نمودند و خواهان واگذاری فوری زمین به دهقانان شدند. لین که در این کنگره حضور یافته بود، سیاست ارضی بلشویک ها را برای نمایندگان دهقانان تشریح نمود. حضور فعل بلشویک ها در این کنگره تاثیر مهمی بر جهت کیری بعدی دهقانان رحمتکش بسوی حزب بلشویک و سیاستهای آن برجای گذاشت. چند روز بعد از کنگره دهقانان، در ۲ ژوئن نخستین کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان در پتروگراد تشکیل گردید. کنگره تا ۲۴ ژوئن ادامه داشت، دستور کار کنگره روش برخورد به حکومت موقع، مسئله جنگ و تدارک مجلس موسسان بود. از ۱۰۹۰ نمایندهای کمدرکنگره حضور یافتند بیش از دو سوم نمایندگان منشویک و اس اربوند و یا از آنها حمایت می کردند. بلشویک ها در این کنگره ۱۰۵ نماینده داشتند. لین که در این کنگره نیز حضور یافته بود، در سخنرانی خود به تشریح قدرت دوگانه در روسیه پرداخت، خواهان انتقال تمام قدرت به شوراهای، یک کنترل کارگری همه جانبی بر تولید و توزیع، صلح بدون الحق و غرامت شد. کنگره که اکثریت آن وابسته به احزاب منشویک و اس ار بودند، پیشنهادات بلشویکها را رد کرد و بالعکس قطعنامه ای تصویب نمود که از ائتلاف با بورژوازی و سیاست های حکومت ائتلافی و ادامه جنگ دفاع نمود.

کنگره با انتخاب یک کمیته اجرایی جدید به کار خود پایان داد. در این کمیته اجرایی ۱۰۷ منشویک، ۱۰۱ اس ار و ۲۵ بلشویک حضور داشتند.^(۱۴) در مورد حکومت ائتلافی موقع که کنگره سراسری از آن دفاع نمود، لازم است توضیح داده شود که این حکومت در بی رشد نارضایتی کارگران و سربازان از حکومت موقع دوماً عدم تحقق و عده های داده شده در مورد صلح، نان، زمین و برگزاری مجلس موسسان که به بحران اوریل انجمادی، تشکیل شده بود. در ۱۸ آوریل، میلیوکف وزیر خارجه حکومت موقع دوماً طی یادداشتی به دولت های فرانسه و بریتانیا اطمینان داد که، روسیه به قراردادهای تزاری و فادر خواهد ماند و تا پیروزی نهائی به جنگ ادامه خواهد داد. هدف بورژوازی بورژوازی این بود که با ادامه جنگ و دامن زدن به روحيات ناسیونالیستی و دفاع طلبی که احزاب منشویک و اس اربه آن دامن میزند، توده های کارگروز حتمتکش را از بیماره انتقامی منحرف سازد و تدریجاً به قدرت دوگانه پایان بخشد. با انتشار خبر یاد داشت میلیوکف، نارضایتی و اعتراض بخش هایی از کارگران و سربازان فوران کرد. روز ۲۰ آوریل سربازان پادگان پتروگراد دست به تظاهرات مسلحان در خیابان ها زدند و با شعار مرگ بر میلیوکف، مرگ برجنگ، تمام قدرت به شوراهای بورژوازی، از همان فرداًی انقلاب، تلاش وسیعی را برای مهار سازمان داد. اما در چند ماه نخست پس از انقلاب هنوز در وضعیت پتروگراد که بتواند مقاصد خود را کاملاً عملی سازد. لذا در این دوره که همراه با بسط و توسعه مبارزه طبقاتی و ایستادگی و مقاومت کارگران دربرابر تعرضاً ضدانقلابی بورژوازی است، حادترین کشمکش انقلاب و ضد انقلاب در جریان است. توده های کارگر، ابتکار عمل را در دست داشتند. برغم تعامل حکومت موقع، شوراهای به سرعت در سراسر روسیه در حال گسترش بودند. "در مارس ۱۹۱۷" شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان در شهر و دیگر نقاط در سراسر روسیه شکل گرفته بودند.^(۱۵) و همچنان تعداد آنها در حال افزایش بود. در برخی از مناطق و شهرها که بلشویک های رهبری شوراهای را در دست داشتند و یا از قدرت قابل ملاحظه ای برخوردار بودند، شوراهاتها اوتوریته محاسب می شدند و ارگانهای حکومت موقع نقشی نداشتند. همزمان با رشد و گسترش شوراهای کارگران و شوراهای وکیله های سربازان و ناویان، شوراهای دهقانی نیز تدریجاً رشد کردند و به اقصا نقاط روسیه گسترش یافتند. تا تابستان ۱۹۱۷، تعداد شوراهای دهقانی در روسیه به حدود ۴۰۰ رسید.^(۱۶) در ماه مه نخستین کنگره نمایندگان دهقانان سراسر روسیه تشکیل شد. ۱۱۵ نماینده از مناطق مختلف و واحدهای ارتش در این کنگره شرکت داشتند. منشویک های اس ارها در این کنگره از اکثریت قابل ملاحظه ای برخوردار بودند و در واقع به علت نفوذی که اس ارها در میان دهقانان داشتند، تصمیمات این کنگره منطبق بر

انقلاب فوریه، وضعیت ویژه و منحصر به فردی را در روسیه ایجاد کرده بود. طبقه کارگر که نقش اصلی را در سرنگونی تزاریسم بر عهده داشت اجازه داد که در کنار قدرتی که خود ایجاد کرده بود، یعنی قدرت شورایی، یک قدرت بورژوازی نیز در شکل حکومت موقع دو ماشکل بگیرد. علت این امر نیز همانا کافی نبودن سطح آگاهی و تشکل کارگران و دهقانان و نیز موج وسیع خرد بورژوازی بود که در جریان انقلاب جامعه را فرا گرفته و تاثیر خود را بر اقشار نااگاه تراکارگران بر جای گذاشت. همین امر باعث شد که احزاب منشویک و اس ار، اکثریت را در شوراهای سازشکار و رفرمیست، واسطه سازش شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد با حکومت موقع دولتی شد. بدین طریق بود که شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد به عنوان اتوریته انقلاب و در حقیقت رهبر شوراهای سراسر روسیه، داولطلبانه قدرت دولتی را به بورژوازی و اگذار کرد و نقش خود را به نظارت و کنترل بر "حکومت موقع" محدود نمود. با این وجود، شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد که از حمایت اکثریت قاطع کارگران، سربازان و دهقانان پرخوردار بود، همچنان به عنوان یک قدرت موازی عمل میکرد. این وضعیت خود ویژه که در آن دو قدرت هم زمان دریک کشور وجود داشتند، وضعیتی ناپایدار بود که نمیتوانست مدتی طولانی دوام آورد. سرانجام یکی از این دو قدرت می بایستی بر دیگری پیروز شود. لین در تحلیل این وضعیت ویژه چنین نوشت:

"خصوصیت دیگر بینهایت مهم انقلاب روس عبارت از این است که شورای نمایندگان سربازان و کارگران پتروگراد که چنانکه از اوضاع بر می آید از اعتماد اکثریت شوراهای محلی پرخوردار است، قدرت دولتی را اوپلبهانه به دست بورژوازی و حکومت موقعی وی میدهد، داولطلبانه حق اولویت را بموی و اگذار می نماید و در باره پشتیبانی از وی با او قرارداد سازش متعدد میکند و نقش خود را به نظارت و کنترل در امر فراخواند مجلس موسسان (که حکومت موقع تا کنون حتی موعدان را هم اعلام ننموده است) محدود می نماید.

این کیفیت فوق العاده خود ویژه ای که با این شکل نظیرش در تاریخ دیده نشده، موجب درهم آمیختن و اختلاط دو دیکتاتوری شده است: دیکتاتوری بورژوازی ... و دیکتاتوری پرولتاوی و دهقانان (شورای نمایندگان کارگران و دهقانان)

جای کوچکترین شکی نیست که این "درهم آمیختگی" نمی تواند مدت مددی دوام یابد. وجود دو قدرت دریک کشور امکان پذیر نیست. یکی از آنها باید نابود شود و تمام بورژوازی روسیه اکنون با تمام قوا و با تمام وسائل درهمه جا فعالیت میکند تا شوراهای نمایندگان سربازان و کارگران را برکنار سازد، ضعیف کند، به صفربرساند و قدرت یکتائی از بورژوازی بوجود آورد."^(۱۷)

حکومت بورژوازی، از همان فرداًی انقلاب، تلاش وسیعی را برای مهار شوراهای، خلع سلاح کارگران، برقراری انصباط پیشین در پادگان ها، سازمان داد. اما در چند ماه نخست پس از انقلاب هنوز در وضعیت نبود که بتواند مقاصد خود را کاملاً عملی سازد. لذا در این دوره که همراه با بسط و توسعه مبارزه طبقاتی و ایستادگی و مقاومت کارگران دربرابر تعرضاً ضدانقلابی بورژوازی است، حادترین کشمکش انقلاب و ضد انقلاب در جریان است. توده های کارگر، ابتکار عمل را در دست داشتند. برغم تعامل حکومت موقع، شوراهای به سرعت در سراسر روسیه در حال گسترش بودند. "در مارس ۱۹۱۷" شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان در شهر و دیگر نقاط در سراسر روسیه شکل گرفته بودند.^(۱۸) و همچنان تعداد آنها در حال افزایش بود. در برخی از مناطق و شهرها که بلشویک های رهبری شوراهای را در دست داشتند و یا از قدرت قابل ملاحظه ای برخوردار بودند، شوراهاتها اوتوریته محاسب می شدند و ارگانهای حکومت موقع نقشی نداشتند. همزمان با رشد و گسترش شوراهای کارگران و شوراهای وکیله های سربازان و ناویان، شوراهای دهقانی نیز تدریجاً رشد کردند و به اقصا نقاط روسیه گسترش یافتند. تا تابستان ۱۹۱۷، تعداد شوراهای دهقانی در روسیه به حدود ۴۰۰ رسید.^(۱۹) در ماه مه نخستین کنگره نمایندگان دهقانان سراسر روسیه تشکیل شد. ۱۱۵ نماینده از مناطق مختلف و واحدهای ارتش در این کنگره شرکت داشتند. منشویک های اس ارها در این کنگره از اکثریت قابل ملاحظه ای برخوردار بودند و در واقع به علت نفوذی که اس ارها در میان دهقانان داشتند، تصمیمات این کنگره منطبق بر

تعداد اعضاء کمیته ها در کارخانه هایی که در کارگر دارند، ۱۱ تا ۱۳ نفر و در کارخانه هایی که ۳۰۰۰ کارگر مشغول به کارند، ۱۳ تا ۱۵ نفر باشد. دو مین کنفرانس کمیته های کارخانه، همین نرم را تصویب کرد. معهدها ضابطه واحدی برقرار نشد و گاه تعداد اعضاء کمیته های کارخانه در موسسات بزرگ تا ۴۰ نفر می رسید. در مجتمع آبخوست، کارگر یک کمیته ۱۲ نفره داشتند. مجتمع پویاف با حدود ۲۰۰۰ کارگر یک کمیته ۲۱ نفره داشت و حال آنکه در کشتی سازی نیروی دریائی با ۸۰۰ کارگر تعداد اعضاء کمیته کارخانه ۲۴ نفر بود. (۱۵) کمیته های کارخانه می باشند لائق هرماه یکبار گزارش کارخود را به اجلاس عمومی کارگران ارائه دهد.

مجموع عمومی که هر پانزده روز یا یک ماه یکباره دعوت کمیته کارخانه و یا یک سوم اعضاء فراخوانده میشود و لائق می باشند یک سوم کارگران در آن حضور داشته باشند، تصمیم گیرنده اصلی بود. مجموع عمومی در مورد مسائل مهمی که بر کل موسسه تاثیر میگذاشت تصمیم می گرفت و قطعنامه هایی در مورد مسائل سیاسی مبرم صادر میکرد. (۱۶) در آغاز کمیته های کارخانه شکل گرفتند، هنوز حیطه عمل و وظائف آنها دقیقاً روشن نبود. در موسسات متوسط و بالتبه کوچک، برخی کمیته ها وظائف خود را به برقراری ۸ ساعت کار، افزایش دستمزد، مراقبت از شرایط کار و امثالهم محدود میکردند. در برخی از موسسات بزرگ بالعكس، کمیته تا بر عهده گرفتن مدیریت کارخانه پیش میرفت. بویژه در تعدادی از موسسات دولتی که مدیران آنها فرارکرده بودند، کارگران وظیفه مدیریت را بر عهده می گرفتند و ان را از طریق کمیته کارخانه یا کمیته اجرائی مشکل از کارگران، تکنیسین ها و مهندسین، اعمال میکردند. اما در کل چنین مواردی محدود بود و عموماً "عملکرد ها در چارچوب یک کنترل کارگری بر تولید محدود بود. در نخستین مراحل شکل گیری کمیته های کارخانه، بحث گسترده ای در میان کارگران در مورد وظایف، حیطه عمل و مرزهای کنترل کارگری در جریان بود. کمیته های کارخانه که با وظایف عملی کنترل در گیر بودند، در تلاش بودند تا از طریق مجامعت عمومی و ارتباط و تبادل نظر با کمیته های کارخانه در موسسات دیگر، مرزهای کنترل را روشن کنند. به عنوان نمونه در اجلاس مشترک کمیته های کارخانه تحت پوشش مدیریت توب سازی که در ۱۳ مارس تشکیل گردید و دستور کار آن تنظیم مطالبات کارگران، همانگی فعالیت کمیته های کارخانه و وظایف آنها بود، بحث مفصلی بررس وظایف کمیته های کارخانه صورت گرفت. در جریان بحث "نماینده ای از مجتمع کارتریژ خواهان مدیریت کارگری دروسعی ترین مقیاس ممکن گردید." اما اکثریت نمایندگان اجلاس با این پیشنهاد مخالفت کردند و دلائل رد آنرا ارائه دادند. این اجلاس در قطعنامه خود خاطرنشان ساخت: "تا زمانی که سوسیالیزه شدن کامل اقتصاد ملی، هم دولتی و هم خصوصی صورت نگرفته است، کارگران مسئولیت سازماندهی تکنیکی و اداری - اقتصادی تویید را نمی پذیرند و از شرکت در سازماندهی تولید خودداری خواهند کرد. (۱۷) همین بحث در چندین اجلاس کمیته های کارخانه موسسات وابسته به نیروی دریائی، صورت گرفت. در ۱۵ آوریل کنفرانس مشترک کمیته های کارخانه تحت پوشش نیروی دریائی و توپخانه نیز همین موضع را تائید نمود. این کنفرانس البته کوشید تا با تنظیم یک طرح اسناده برای کمیته ها، وظایف آنها را دقیق تر توضیح دهد. برطبق این طرح، کمیته ها از قدرت کنترل بر مدیریت برخوردار بودند. آنها مجاز بودند به منظور کسب اطلاعات لازم، نمایندگانی در تمام ارگان های اداری داشته باشند. طرح اسناده می گفت که کمیته ها باید به تمام اسناد اداری و صورت حساب ها دسترسی داشته باشد. مسئولیت کامل نظم درونی کارخانه، دستمزد، ساعتات کار، استخدام و اخراج نیز به کمیته ها محول شده بود. (۱۸)

در عمل نیز کمیته های کارخانه، فعالیت مدیریت را کنترل میکردند. آنها تمام استناد اداری، صورت حسابها و دفاتر، عملیات مالی، مواد خام و سوخت، هزینه های تولید و میزان سود، انتقال کالاهای و ماسین آلات از کارخانه به بیرون را تحت کنترل داشتند. تلاش سرمایه داران برای ایجاد هرج و مرج در اقتصاد و بستن کارخانه ها را خنثی می کردند. استخدام و اخراج کارگران، تعیین دستمزدها، محافظت از موسسه نیز در حیطه صلاحیت کمیته ها بود.

کمیته های کارخانه به منظور پیشبرد وظایف خود، کمیسیون های مختلفی سازمان دادند. مهمترین این کمیسیونها، کمیسیون تکنیکی - کمیسیون های فعال بودند. کمیسیون این کمیسیونها، کمیسیون میلیشیا، کمیسیون اقتصادی، کمیسیون استخدام و اخراج، کمیسیون میلیشیا، کمیسیون نظم داخلی، کمیسیون آموزش و فرهنگ، کمیسیون خوار و بار و کمیسیون ممتازات بودند. در مجتمع پویاف ۴۰۰ کارگر در کمیسیونهای مختلف کارخانه مشغول فعالیت بودند. (۱۹) با گسترش و بسط حیطه

بود، توده های کارگر به چنان درجه ای از وضع موجود ناراضی اند که هر آن امکان تظاهرات وجود دارد، کوشید خود ابتکار عمل را به دست بگیرد و ۱۸ ژوئن را برای تظاهرات عمومی تعیین نمود. موضوعگیری در قبال این تصمیمات فوق العاده حساس بود. بلشویک ها که در کنفرانس هفتم خود در آوریل، انقلاب سوسیالیستی را به عنوان وظیفه فوری پرولتاریا در دستور کار قرارداده بودند، با تمام قوا در تلاش بودند که احزاب منشویک و اس ار را که تکیه گاه بورژوازی در جنبش کارگری بودند، افشا و منفرد سازند. بدون برانداختن نفوذ این احزاب در جنبش کارگری و بدون منفرد کردن آنها سرنگونی بورژوازی ممکن نبود. لذا برای سرنگونی بورژوازی می باشند یعنی بایستی جهت اصلی ضربه متوجه رفرمیستها باشد. بلشویک ها این سیاست را پیگیرانه پیش می بردند. سیاست های ضد انقلابی حکومت ائتلافی و حمایت احزاب رفرمیست از این سیاستها به نحو روز افزون نمود. تصمیمات کنگره سراسری شوراهای در حمایت از سیاستهای دولت ائتلافی وادامه جنگ که در حقیقت تصمیم منشویکها و اس ارها محسوب می شد، موقعیت مناسبی برای پسیج توده های کارگر علیه این سیاست ها بود. معهدها بلشویک ها که فراخوان ژوئن را داده بودند، برای این که به رودروری با شوراهای کشیده نشوند و به قول لنین نمی خواستند در این لحظه "کارگران را علیه نیروهای متعدد کادتها، اس ارها و منشویک ها به نبرد مایوسانه بشانند" تظاهرات خود را لغو کردند، اما تصمیم گرفتند که فعالانه با شعارهای خود در تظاهرات ۱۸ ژوئن شرکت کنند و ابتکار عمل را به دست بگیرند. همین طورهم شد. در این تظاهرات که حدود نیم میلیون نفر در آن شرکت کرده بودند، توده کارگر بیشتر متمایل به بلشویک و سیاستهای بلشویکی بود. در این تظاهرات "عدهت" شعارهای بلشویکی از جمله شعار تمام قدرت به شوراهای طرح گردید. تظاهرات ۱۸ ژوئن بوضوح چرخشی به سوی سیاستهای حزب بلشویک بود و نشان میداد که توده های کارگر سیاستهای رفرمیستی احزاب منشویک و اس ار را طرد میکنند و برای بدست گرفتن قدرت آماده می شوند. این افشا روز افزون احزاب رفرمیست و تمايل کارگران به مواضع حزب بلشویک و انقلاب سوسیالیستی، بهتر از هرجای دیگر در کمیته های کارخانه خود را نشان میداد که ارکانهای اقتدار توده های کارگر در سطح کارخانه ها بودند.

جنیش کمیته های کارخانه و کنترل تولید

با سرنگونی تزاریسم، کارگران بدون این که به انتظار دستوراتی از بالا بشنیند، با ابتکار عمل خود دست به کار برچیدن و جاروب کردن مقررات ارتقای و سرکوبگرانه از کارخانه ها شدند. کارگران کوشیدند تا بجا از نظام ارتقای - بورکراتیک و سرکوبگرانه حاکم بر کارخانه ها، نظامی انقلابی - دمکراتیک را مستقرسازند. لذا مقرراتی که برای سرکوب بودند کشیدن کارگران وضع شده بود، عملاً "ملغا گردید". کارگران همچنین عوامل و دست نشاندگان رژیم تزاری را که نظمی پلیسی بر کارخانه ها حاکم کرده بودند، به محکمه کشیدند و اخراج کردند. تعدادی از مدیران، پرسیل اداری و حتی سرکارگرانی که در دوران تزاریسم عامل سرکوب بودند، اخراج شدند. برخی از عوامل استبداد از جمله باندهای سیاه که مرتکب جنایات سنگینی شده بودند، مجازات شدند. شدید ترین مجازات در مردم دیر مجتمع پویاف و معاون او اعمال شد که به اعدام محکوم شدند. گروهی از مدیران و سرمایه داران نیز از ترس مجازات فرار کردند.

کارگران برای پیشبرد وظایفی که در پی انقلاب، در سطح کارخانه ها در برابر آنها قرار گرفته بود، با ابتکار و خلاقویت انقلابی خود دست به کار ایجاد کمیته هایی در هر کارخانه شدند. این کمیته ها که نقش بسیار مهمی در جنبش کارگری روسیه ایف نمودند، در واقع از دل کمیته های اعتصاب و در نتیجه تحول آنها پیدی آمدند که منطق بر نیازهای جدید جنبش کارگری، وظایف انسانی کارخانه ها را خنثی می کردند. کمیته های کارخانه بودند که پس از انقلاب، در اوائل مارس آغاز به پیدایش نمودند. در ماه مارس نخست تعداد زیادی کمیته های کارخانه در موسسات دولتی شکل گرفتند. در مدتی کوتاه موج ایجاد کمیته های کارخانه گسترش یافت و عموم کارخانه های بزرگ و اغلب کارخانه های متوسط، کمیته های کارخانه را ایجاد نمودند. کمیته های کارخانه که نزدیک ترین ارتباط را با توده های کارگر داشتند و منتخب تمام کارگران کارخانه بودند از حمایت و پشتیبانی عمومی کارگران برخوردار بودند.

در ابتدای شکل گیری کمیته های کارخانه، ضابطه معینی در مورد تعداد اعضاء آنها وجود نداشت. گاه تعداد اعضاء کمیته به ۸۰ تا ۱۰۰ نفر میرسید. کنفرانس آوریل نمایندگان کارگران و موسسات دولتی توصیه کرد که

که اکثریت آنها زن هستند.

بسیاری از گروهها و سازمانهای سیاسی که در یکسال گذشته علناً به فعالیت پرداخته‌اند بجا اینکه از فضای نسبتاً بازسیاسی درجهت آگاهی و سازمان دهی کارگران بهره گیری کنند، به توهمندی در میان کارگران می‌پردازند. گویا که تحول اساسی در وضعیت پدیدارگشته است. بعنوان مثال در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نقطه عزیمت بسیاری از احزاب و سازمان هائی که کاندیدا معرفی کرده‌اند، نه تغییر اوضاع نایسaman اقتصادی، که ضدیت با فرد حبیبی است. هیچ‌گونه بند و مطالبه اقتصادی که بیانگر حمایت آنها از کارگران و زحمتکشان باشد، به چشم نمی‌خورد. آنها در تبلیغات خود شخص حبیبی را عامل فقر و فلاکت معرفی می‌کنند. به عنوان نمونه میتوان به اتحادیه کارگری وابسته به جریانات اسلامی اشاره کرد که از کارگران دعوت بعمل می‌آورد تا به کاندیدای جریانات لیبرال "مگاواتی - سوکارنو" (دخترسوکارنو رئیس جمهور ملی گرای اندونزی طی سال های ۱۹۶۲ الی ۱۹۶۷) رای بدهند. در صورتی که در برنامه انتخاباتی این جریان از دفاع از کارگران و خواسته‌های صنفی کارگران، از زنان و بهداشت و آموزش خبری نیست.

گرایش رادیکال در جنبش کارگران طی سی‌سال گذشته بعلت خلقان و سرکوب، امکان حضور و رشد نیافتد است. بدینهی است که بخش اعظم کارگران غیر مشکل اند، اتحادیه ما موسوم به PPDI که تا یکسال پیش بطور غیرعلنی فعالیت می‌کرد، بیشترین فعالیت خود را در صنایع چرم و نساجی مرکز نموده است. اتحادیه ما ضمن اینکه از امکان علنی جهت سازماندهی کارگران استفاده می‌کند تا حضور خود را بعنوان نیروی مدعی تغییرات اساسی بقولاند، اما از شرایط و جو نیمه باز فعلی سرمدست نمی‌شود و لذا به موازات فعالیت علنی، به تشکیل هسته‌های مخفی از کارگران آگاه تروبا تجربه ترمیپردازد. ما از اندک نیروهایی هستیم که ایده شوراهای را در میان کارگران، دهقانان، زحمتکشان و داش چویان تبلیغ و ترویج می‌کنیم تا بدین طریق رادیکالیسم را در جنبش کارگری تقویت نمائیم. یکی دیگر از مضلات فعلی ما، عدم پیوند با نیروی ۳۰ میلیونی بیکاران در اندونزی است. ما فاق مکانیزمی جهت پیوند با این نیروی عظیم هستیم. این نیرو قادر کاراست، در فقر غوطه میخورد. مفترض است واسیر توهمندی پراکنی‌های این یا آن جریان لیبرال و بورژوا هم نمی‌شود. در نتیجه بلحاظ مادی مساعد ترین نیرو است. بعارت دیگر آنها بمعاینه "کنج" جنبش‌اند و فقط باید بدان دسترسی یافته. در این زمینه در سطح بین‌المللی، تلاشهایی صورت گرفته است. بطور مثال در دیدارها و مذاکرات با مقامات اتحادیه‌های کارگری استرالیا و یا اروپا، تقاضای دریافت کمک‌های آموزشی، معنوی و مالی برای براهاندازی دوره‌ها و کلاس‌های کارآموزی برای بیکاران کرده ایم تا بدین طریق پل ارتباطی با بیکاران برقرار نماییم که موفقیت های نیزداشته ایم و قولهای داده شده است. بصراحت به همراهان خود در اتحادیه‌های کارگری جهان اعلام کرده و می‌کنیم که امروزه "صرفاً" صدور و قرائت پیام همبستگی این یا آن اتحادیه‌های کارگری دردی از طبقه کارگردر بند دوا نمیکند و از همین رو ما طالب آن همبستگی هستیم که در مبارزات کارگران تاثیر گذار باشد.



گفتگو با « دیتا ساری »

از رهبران

اتحادیه‌های کارگری اندونزی

اخیراً "دیتا ساری" یکی از رهبران اتحادیه‌های کارگری اندونزی پس از سه سال اسارت، از زندان آزاد و به دعوت تعدادی از اتحادیه‌های کارگری جهان، به استرالیا و چند کشور اروپائی از جمله انگلستان و هلند سفرکرد. در انگلیس دراجل اس کنفرانسیون اتحادیه‌های کارگری شرکت کرد و کارگران را به همبستگی با مبارزات کارگران اندونزی دعوت نمود. در هلند، علاوه بر دیدار و گفتگو با کنفرانسیون اتحادیه‌های کارگری در جمع اندونزی یائی‌های تبعیدی و نیروهای چپ هلند حضور یافت. مطلب زیر چکیده گفتگویی است که فعالین سازمان ما در هلند با "دیتا ساری" به عمل آورده اند و به منظور آشنازی و اطلاع از اوضاع سیاسی - اجتماعی اندونزی درج می‌گردد. لذا الزاماً به معنای تائید نظرات مطروحه نیست.

* * * * *

جمعیت فعال کشور، ۳۰ میلیون بیکاران. به لحاظ سیاسی، طی سالهای اخیر - بویژه از سال گذشته تا کنون که سوهراتو مجبور به کناره گیری شد - اوضاع تغییریافته است. بدین معنا که خشم و کینه و اعتراف بالقوه تودهای مردم بالفعل شده است. هر روزدهها اعتصاب و اعتراف در اقصی نقاط اندونزی بربا می‌گردد. کارگران و دانشجویان همواره در صحنه اند. حساسیت نسبت به اوضاع سیاسی شدت یافته است. در مقابل هر قانون و یا طرحی جدید، کارگران و زحمتکشان به میدان می‌ایند. هم اکنون دهها اعتصاب و اعتراف در جریان است. اهارویدادهای جاری در تیمور شرقی جذابیت پیشتری برای رسانه‌های گروهی جهانی دارد تا این یا آن اعتصاب کارگری در اندونزی. واقعیت این است که اوضاع فعلی در تیمور شرقی که با خشونت و سبیعت ادامه دارد، آئینه تمام نمای وضعيت سیاسی - اقتصادی در اندونزی است. طریق تبعیدیان اندونزی یائی در هلند، ارتیاتات سیستماتیک یا اتحادیه‌های کارگری در این کشور برقرار نمود. "دیتساری" بیست و سه ساله بود و بود که در جریان اعتصابات کارگری سال ۹۶ دستگیر شد. طی این اعتصاب قریب به ۲۰۰۰ کارگر دست از کار کشیده بودند و دولت وقت اندونزی این اعتصاب را "غیر قانونی" اعلام کرده بود. متعاقب دستگیری وی، تلاش گسترده‌ای در سطح بین‌المللی در دفاع از آزادی وی و همراهانش برپا شد. پس از برگزاری سوهراتو، برغم این که برخی از زندانیان سیاسی آزاد شدند. دیتا ساری و همراهانش همچنان در اسارت بودند. سازمان عفو بین‌الملل، اتحادیه‌های کارگری و احزاب و سازمان‌های سیاسی نیز کارزارهای متعددی در دفاع از آزادی آنها برپا کردند تا اینکه سرانجام، در ژوئیه سال جاری آزاد شدند.

جنیش کارگری

دیتساری: جنبش کارگری اندونزی پس از سی سال، فرصتی و مجالی برای آگاهی و سازمان دهی یافته است. ارتقا این جنبش به عوامل و فاکتورهای متعددی مشروط است که مهمترین آنها رادیکالیسم، پیگیری و پیوند مبارزاتی با سایر اقشار زحمتکش بویژه دهقانان است. در حال حاضر اتحادیه‌های گوناگونی به فعالیت در میان کارگران مشغولند: جریانات لیبرال، اسلامی و جریانات چپ. طبق آمارهای موجود ۲۰ درصد از نیروی شاغل اندونزی ازکلیده رشته های تولیدی در اتحادیه‌ها اتحادیه‌ها مشکل‌اند. بیشترین اعضاء اتحادیه‌های کارگری را کارگران صنایع چرم و نساجی تشکیل میدهند زیرا این وسیع ترین رشته تولیدی بلحاظ تمدکنیری و کاراست. در این رشته تولیدی ۱۳ میلیون شاغلند

اوپاع سیاسی - اقتصادی در اندونزی

دیتا ساری: طی سالهای اخیر و پس از برگزاری سوهراتو، اوپاع اقتصادی کمکان اسفنک است و روند و خامت اوضاع روز به روز شد. می‌یابد. سیاستهای اقتصادی صندوق بین‌المللی پول، حذف سوبیسید از کالاهای اساسی قدرت خرید کارگران و زحمتکشان را به حد اقل رسانده و هم اکنون بیش از ۸۰ درصد مردم زیرخط فقر بسر میبرند و چشم اندازی بر بیهود اوضاع نیز متصور نیست. روند بیکاری با سرعت غیر قابل تصویری تداوم می‌یابد. از مجموع ۸۰ میلیون

نقش اعتصاب عمومی سیاسی در روند سرنگونی جمهوری اسلامی

به مبارزه علیه رژیم روحی آوردند . اعتصاب عمومی سیاسی ضرباتی سنگین بر پیکر پسیده رژیم شاه وارد آورد . تمام اقتصاد را فلک کرد . منابع تغذیه مالی رژیم را قطع نمود . نظام موجود را آشکارا به مبارزه طلبید و سر درگمی واغتشاش را در میان طبقه حاکم و ارگان ها و نهادهای سرکوب آن افزایش داد . اعتصاب عمومی وسیع ترین و گستردترین های بسیج نیرو علیه می باشد . رژیم شاه بود . اما این شکل مبارزه قادر به سرنگونی رژیم نبود . میباشتی با اشکال دیگر تأثیرگذار شد . توام با اعتصاب عمومی سیاسی ، ظاهرات و راهپیماییهای چند میلیونی ، تظاهرات موضوعی ، سنگر بدی خیابانی نیز شکل گرفتند . در پی این شرایط است که بحران سیاسی به مرحله ای از رشد و تکامل خود میرسد که همه شرایط برای سرنگونی رژیم شاه فراهم میگردد . اعتصاب عمومی سیاسی به شکلی عالیتر ، یعنی قیام مسلحه اند توده ای ارتقا مییابد ، و در جریان این قیام مسلحه اند است که رژیم سلطنتی سرنگون میشود . با وجود اینکه پسته به شرایط مختلف ، کارگران و زحمتکشان به اشکال بسی متنوع و گاه کاملاً "نوبن مبارزه روحی می اورند ، اما با توجه به تجربه انقلاب توده ای گذشته و کارآئی اشکال مبارزه ای که کارگران و زحمتکشان به آنها متول شدند و نیز در نظر گرفتن اشکال مبارزاتی مختص طبقه کارگردروران بحرانهای حاد ، میتوان گفت که این بارزی در جریان بحران سیاسی حادی که رژیم با آن روپردازی شده و دوران نوبنی دراعتله و رشد جنبش گشوده شده است ، جنبش درخطوط کلی خود همان مسیر را طی خواهد کرد و اشکال اساسی مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی نیز همان اشکال پیشین خواهد بود . یکی از این اشکال اساسی که چپ انقلابی در شرایط کوتولی و با ارزیابی از تحول اوضاع و تشید بحران سیاسی ، باید یا تبلیغ وترویج و اقدامات عملی به شکل کیری آن یاری رساند ، اعتصاب عمومی است . این شکل از مبارزه میتواند وسیع ترین بخش توده های کارگر و زحمتکش را برای سرنگونی جمهوری بسیج کند . این شکل از مبارزه قادر است ، به مبارزات پراکنده و منفرد موجود ، ابعادی سراسری بدهد . این شکل از مبارزه میتواند شکاف های درون طبقه حاکمه را عمیق تر کند و کارآئی نیروی سرکوب را پائین آورد . اگر امروز نیروی سرکوب رژیم می تواند در این یا آن نقطه ، در این یا آن مورد ، جنبشی را که پا می گیرد سرکوب کند ، هنگامی که یک اعتصاب عمومی سیاسی در سراسر ایران شکل بگیرد ، دیگر قادر نخواهد بود دربربری به وسعت سراسر ایران نیروی سرکوب را به کارگیرد . نمی تواند برای هر کارخانه و موسسه ای که دست به اعتصاب زده اند ، نیروی سرکوب خود را گسیل کند . اعتصاب عمومی ، سردرگمی و تزلزل در ارش و دیگر نیروهای سرکوب رژیم را افزایش خواهد داد . اعتصاب عمومی سیاسی به تمام معنا رژیم را فلک خواهد کرد . چرخ تولید را متوقف خواهد ساخت و منابع مالی رژیم را که برای حیات آن تعیین کننده اند ، مسدود خواهد نبود . اعتصاب عمومی سیاسی ، شرایط لازم را

تداوم و اعتلا جنبش های اعتراضی را در مقیاسی وسیع تردد پرداخته است. این واقعیت نیز نشان می دهد که مرحله نوینی در زندگی مبارزاتی مردم آغاز شده است. مرحله ای که دیگر سرکوب نمیتواند جنبش های اعتراضی را مهار و رکود و خود را بر جنبش حاکم سازد. این جنبشها از آنجائی که هنوز جنبش های اولیه یک دوران اعتلا نوین محسوب می شوند، خود بخودی، نامتشکل، پراکنده و مفترضه و طبیعی است که در این مرحله هنوز نتوانند به یک جنبش پایدار سراسری تبدیل شوند. برای اینکه مبارزات از مرحله کنونی آن فراتر روند و جنبش های پراکنده به یک جنبش سراسری تبدیل شوند، ضروری است که یک نیروی جدید وارد عرصه مبارزه سیاسی شود و اشکال نوینی از مبارزه جای اشکال موجود را بگیرند. این نیرو طبقه کارگوشکل نوین مبارزه بویژه اعتضاب عمومی سیاسی بعنوان شکل پیشین توده مردم ایران عليه است. تجربه انقلاب پیشین توده مردم ایران را رژیم شاه نیز بوضوح همین امر را نشان داد. در آن هنگام نیز در آغاز یعنی در مرحله نخستین دوران اعتلا انقلابی، جنبشها پراکنده در میان تهی دستان حاشیه نشین شهرهای بزرگ، تظاهرات و قیام های منفرد در برخی شهرها، فرا رسیدن مرحله نوینی از زندگی مبارزاتی توده ها را اعلام کرد. اما از آنجائی که این جنبش ها هنوز منفرد، پراکنده و محدود بودند، رژیم شاه با توصل به نیروی سرکوب خود توافست در هرموردها جدا کاند این جنبش ها را سرکوب کند. معهدها بهاین علت که دران نوینی در زندگی مبارزاتی توده مردم آغاز شده بود و رژیم شاه بیش از پیش دریک بحران سیاسی فرو میرفت این سرکوبها نتوانست مردم را از مبارزه بازدارد و مانعی بر سر راه اعتلا جنبش ایجاد نماید. بالعکس این جنبش ها در سطح گستردere تری شکل گرفته و ادامه یافتند. اما این جنبش ها هنوز در مرحله ای نبودند که بتوانند یک خطر جدی برای رژیم محسوب شوند و موجودیت از راهه مخاطره افکند. جنبش، هنگامی به مرحله کیفاً نوینی ارتقا یافته و به یک جنبش سراسری تبدیل گردید که طبقه کارگر به عرصه مبارزه سیاسی مستقیم عليه رژیم شاه روی آورد و به حربه اعتضاب عمومی سیاسی متول گردید. البته طبقه کارگر نیز بدون مقاومه و در یک لحظه به اعتضاب سیاسی روی نیاورد. جز در مواردی اندک، ابتدا توده کارگر، حول مطالبات اقتصادی در موسسات مختلف به اعتضابات اقتصادی متول شد. این اعتضابات اقتصادی نقش بسیار مهمی در بسیج عمومی توده های کارگر ایفا نمودند و عقب مانده ترین بخش طبقه کارگر را نیز به مبارزه جلب نمودند. از آنجائی که این اعتضابات در یک دوران انقلابی بوقوع پیوستند، بسرعت تبدیل به یک اعتضاب عمومی شدند. در مدت کوتاه این جنبش اعتضابی ارتقا یافت و مطالبات سیاسی در راست مطالبات کارگران قرار گرفتند و اعتضاب عمومی سیاسی طبقه کارگر شکل گرفت. با شکل گیری اعتضاب عمومی سیاسی، جنبش مبارزاتی توده مردم علیه رژیم شاه به یک جنبش سراسری تبدیل گردید. وسیع ترین بخش توده های مردم فروکش و افت جنبش نیانجامیده، بلکه بالعکس

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

افزایش سرسام آور قیمت حبوبات و برنج

روزنامه رسالت ۱۹ مهر ۷۸، اعلام کرد که قیمت حبوبات در رسالت جاری در مقایسه با سال گذشته ۱۰۰ تا ۱۵۰ درصد افزایش یافته است. این روزنامه لیستی را به چاپ رسانده است که در آن قیمت انواع حبوبات در اواخر سال ۷۷ با اواسط سال جاری مقایسه شده است که برای نمونه به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.

نوع حبوبات	قیمت یک کیلو در بهمن ۷۸ به تومان	قیمت یک کیلو در مهر ۷۸ به تومان
خود	۶۵۰	۳۶۰
لوبیا سفید	۵۵۰	۳۶۰
عدس	۷۰۰	۶۰۰
لوبیا چیتی	۶۰۰	۳۶۰
لوبیا قرمن	۴۰۰	۲۱۵
لوبیا چشم بلبلی	۳۰۰	۳۵۰
لپه تبریز	۸۰۰	۴۰

همین روزنامه، مورخ ۲۲ مهر اعلام کرده است که قیمت برنج در ظرف دو روز گذشته (۲۰ و ۲۱ مهر) در هر کیلو حداقل ۲۰۰ ریال افزایش داشته است. هم اکنون قیمت یک کیلو برنج دم سیاه ۱۲۰۰ تومان، طارم ۱۰۰۰ تومان، طارم معطر ۱۰۵۰ تومان است. بهاً یک کیلو برنج استخوانی مازندران و یک کیلو برنج تایلندی که در سال گذشته به ترتیب ۴۵۰ و ۳۰۰ تومان بوده است، هم اکنون به ۷۰۰ و ۵۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است.

نقش اعتصاب عمومی سیاسی در ...
برای بدست گرفتن ابتکار عمل توسط توده‌ها، و ارتقاء مبارزه به شکلی عالی تر، یعنی قیام مسلحانه توده‌ای علیه رژیم فراهم خواهد ساخت. جمهوری اسلامی، قطعاً "تا آخرین لحظات حیات خود تلاش خواهد کرد تا با تکیه به نیروی سرکوب رسمی و غیر رسمی اش از موجودیت خود دفاع کند. اما هنگامی که اعتصاب سیاسی به وسعت سراسر ایران شکل بگیرد، هنگامی که عقب مانده ترین بخش توده‌ها به مبارزه‌ای علنی و مستقیم روی آورند، و هنگامی که این توده وسیع کارگران و زحمتکش دست به اسلحة ببرند، تمام نیروی سرکوب رژیم چون جبالی خواهد ترکید و محظوظ خواهد شد. لذا روشن است که بدون برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی توسط کارگران و پیوستان توده مردم در دیگر موسسات به این اعتصاب بحثی از سرنگونی جمهوری اسلامی نخواهد بود. اما اعتصاب عمومی سیاسی، تنها از این جهت حائز اهمیت نیست، از دیدگاه ما مکونیست ها که برای استقرار حکومت کارگران و زحمتکشان، برای تامین هژمونی طبقه کارگر برجنبش و برای آزادی و سوسیالیسم مبارزه میکنیم، اعتصاب عمومی سیاسی بالقوه به معنای ارتقا طبقه کارگر به سطح رهبر جنبش و تامین هژمونی این طبقه بر جنبش است. این نکته اساسی است که هیچ انقلابی در ایران نمی‌تواند به ثمر برسد، مگر آنکه رهبری آن درست طبقه کارگر باشد.

خبر از ایران

جمع‌اعتراضی کارگران لوله سازی

بیش از ۲۵۰ تن از کارگران لوله سازی خوزستان، در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه حقوق و مزایای خود، در برابر ساختمان استانداری خوزستان دراهواز، دست به یک تجمع اعتراضی زدند. بنابر گزارش روزنامه رسالت مورخ ۲۲ مهر، وقتی که رئیس شورای شهر و بدخی از مستولین استانداری در محل حاضر شده و قصد سخنرانی داشتند، کارگران مانع از این مسئله شدند و حقوق‌های عقب افتاده خویش را طلب کردند.

تحصین کارگران با فنگی کاشان

روز سه شنبه ششم مهر ماه، بیش از ۱۰۰ تن از کارگران شرکت سهامی ریسنگی و بافنگی کاشان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خویش، دست به تحصین زدند. در اثر این اقدام کارگران که ادامه اقدامات اعتراضی این شرکت برای گرفتن حق و حقوق‌شان را نشان میدارند، با وجود آنکه مدیر عامل شرکت در جمع کارگران حاضر شد، اما او طبق معمول بهانه‌ای برای تضییق حقوق کارگران درجیب داشت و این بار اعلام کرد که به علت قبیمی بودن دستگاه‌های کارخانه (۶۰ ساله) و فقدان قدرت تولید پارچه مرغوب، قادر به پرداخت دستمزد کارگران نمی‌باشد!

جمع‌اعتراف کارگران در برابر فرمانداری

روز سه شنبه بیستم مهرماه، کارگران کارخانه ریسنگی سمنان که از یک سال پیش از کارگران شده اند و هیچ گونه حقوقی به آنان پرداخت نشده است، با برپایی یک تجمع اعتراضی در برابر فرمانداری سمنان، خواهان بازگشت به کار و رسیدگی به وضعیت خود شدند.

جمع‌اعترافی کارگران شهرداری

روز یکشنبه هجدهم مهرماه، کارگران شهرداری ایلام در اعتراض به عدم پرداخت حقوق شهرداری ماه خویش، در محل شهرداری این شهر تجمع کردند. بنابر گزارش روزنامه اخبار اقتصادی، کارگران شهرداری، علاوه بر دریافت حقوق و مزایای شهرداری خود، بیش از پانزده ماه است که از دریافت اضافه کاری، حق ماموریت و حق لباس نیز محروم شده اند. مستولین شهرداری ایلام علایم مسٹله را بدھکاری شهرداری عنوان کرده و اظهار کرده اند که شهرداری ایلام ۱۲ میلیارد ریال به دستگاه‌های دولتی و موسسات خصوصی بدھکار است!

در گیلان ۱۵ هزار کارگر بیکارشده و ۱۵۰۰ کارگر دو سال است حقوق نگرفته اند.

روزنامه کار و کار گر اعلام کرد که در طی یک سال گذشته بیش از ۱۵ هزار نفر از نیروهای

فراخوان شرکت در آکسیون اعتراضی

به حضور رئیس جمهور رژیم ضدبشری جمهوری
اسلامی به دعوت دولت فرانسه و یونسکو روز
سه شنبه ۲۶ اکتبر وارد پاریس شود. در اعتراض به
حضور خاتمه به عنوان نماینده رئیسی که ابتدای ترین
حقوق انسانی را از مردم ایران سلب نموده و با
کشتار و سرکوب به حیات تنگین خود ادامه داده
است، آکسیون اعتراضی از سوی فعالان سازمان ما و
تعادی از سازمانها و فعالیں چپ در پاریس برگزار
می‌شود.

**فعالن و هوداران سازمان، نیروهای چپ و
انقلابی، ایرانیان دمکرات و آزادیخواه!**

با شرکت در آکسیون اعتراضی پاریس، و بپیانی
تظاهرات در برابر سفارتخانه های فرانسه و دفاتر
یونسکو در کشورهای محل سکونت تان، به دعوت
دولت فرانسه، و یونسکو از رئیس جمهور حکومت
اسلامی اعتراض کنید و نفرت خود را از رژیم
ضدبشری جمهوری اسلامی اباز دارید.

تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۹۹۹ ۱۹ اکتبر

گزیده ای از نامه های رسیده

مسافرین اشاره کرده بودند دریافت کردیم.
همچنین شماره فاکس و تلفن شمارا در اختیار
تشکیلات خارج از کشور سازمان قرار دادیم تا
نسبت به تماس و ارتباط با شما اقدام مقتضی
بعمل آید. با ما در تماس باشید و در نامه هایتان
برایمان از وضعیت ایرانیان و پناهجویان و
کارگران مهاجر ایرانی بنویسید. پیروز باشید.

آلمان _ دوست عزیز افغانی، جاهد، نامه ای را
که برایمان فاکس کرده بودند دریافت کردیم.
این نامه و شماره فاکس شما در اختیار
تشکیلات خارج از کشور سازمان قرار داده شد
تا نسبت به در خواستهای شما تصمیم گیری
شود و در حد امکان اقدامات لازم بعمل آید.
پیروز باشید.

آلمان _ دوست عزیز، م: نامه شما راکه در آن
چند شماره نشریه کار را مطالبه کرده بودند
دریافت کردیم. این نامه را در اختیار انتشارات
سازمان قراردادیم تادرمورد تهیه این شماره ها
و چگونگی ارسال آن تصمیم مقتضی بعمل آید.
در این مورد با شماره ای که داده بودند تماس
گرفته خواهد شد. پیروز باشید.

* _ از طرف کانون زندانیان سیاسی ایران (در
تبیعد)، کتاب سمینار بین المللی استکهم که تحت
عنوان " زندان، زنان، حقوق بشر و سانسور در
ایران " در اکتبر ۹۸ یرگزار شده بود، برای ما
ارسال شده است. در این کتاب علاوه بر مطالب
ارائه شده در سمینار یاد شده، و نیز قطعنامه
پایانی آن، اسامی دوهزار و دویست و یازده
نفر از زندانیان سیاسی ایران نیز که در جریان
کشتارهای جمعی تابستان ۶۷ بدست دژخیمان
جمهوری اسلامی به قتل رسیدند، به چاپ رسیده
است. در هر حال ضمن تشریک از ارسال کتاب،
براین امیدیم که فعالیتهای افشای گراند این رفقاء
و مبارزه ایها علیه رژیم جمهوری اسلامی و برای
تامین آزادیهای سیاسی قرین موقوفیت گردد.

پاکستان _ از کویته پاکستان "بولتن فوق العاده"
جمعیت انقلابی زنان افغانستان _ مارس ۹۹
ویژه بزرگداشت هشت مارس روز جهانی زن
برایمان فرستاده شده است. در این بولتن، از
جمله به برگزاری مراسمی به مناسبت گرامی
داشت روز زن در شهر پیشاور پاکستان نیز
اشارة شده است و منجمله چنین عنوان شده
است که دراین مراسم بیش از هزار نفر شرکت
نموده و روز زن را گرامی داشته اند. در این
مراسم همچنین مقالاتی در مورد وضعیت زنان
افغانستان قرائت شده است. علاوه بر مراسم
سرود خوانی، همچنین " یه یاد و اختران زنان
ایرانی که داخل و خارج زندانهای ایران قهرمانانه
میرزمند " قطعه شعری بنام " زن " دکمه گردید.
با تشکر فراوان از ارسال نشریه توسط این
دوستان افغانی، در راه مبارزه علیه تبعیض و
آرزوی پیروزی داریم.

توصیح کوتاهی برستون گزیده ای از نامه های رسیده
_ رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند،
چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده
شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع
را در نامه قید کنند . عدم تذکر این مسئله ، معنی
عدم مخالفت نویسند نامه بارگاه نام خود در نشریه
کار میباشد و در این صورت نشریه کار نسبت به
درج نام نویسند نه تصمیم میگیرد.

_ تحریریه کاربرگزینش نامه ها برای درج در نشریه
کار و کوتاه کردن آنها مجاز است.

_ نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت
هائی از نامه های رسیده و همچنین یادداشت هایی را که
از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکند، انتخاب کرده و
آنرا بچاپ برساند. درج این مطالب، لزوماً معنی
تائید موافق نویسندگان نامه ها یا تشکلهای نمایش.

_ از همه رفاقت دوستانی که برای ما نامه مینویسند
درخواست میکنند نامه خود را اگر تایپ نمیکنند، با
خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در
نامه قید کنند و آدرس فستینه را نیز با حروف
درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قلبی

هلند _ رفیق عزیز (ش. ن)، نامه شما که در
آن به دریافت منظم نشریه کار اشاره کرده اید
بدستمان رسید. شما به مطالعه سلسله مقالات
تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری اظهار
علقه نموده و سؤوال کرده اید آیا این مبحث
 بصورت کتاب یا جزو جدایهای منتشر شده
است که بتوانید از ابتدای آن به مطالعه پردازید
یا نه؟ محض اطلاع شما، آغاز چاپ این مقاله
در نشریه کاربره چهار سال قبل بر میگردد و در
این چهار سال تقریباً بطور منظم در هر شماره
نشریه کار درج شده است که طبعاً " شما نیز می
توانید برای مطالعه به شماره های قبلی نشریه
کار مراجعه کنید. معنداً این احتمال وجود دارد
که این سلسله مقالات بصورت کتاب جدایهای
نیز به چاپ برسد.

بارسلون _ قشقائی، رفیق بسیار عزیز نامه
چهارصفحه ای شما همراه با ده صفحه اطلاعات
مربوط به موضوع نامه که ضمیمه آن کرده بودید
تماماً بدستمان رسید. قبل از هرجی از احساس
مسئلیت و همکاری شما صمیمانه قدردانی می
کنیم. این نامه همراه با ضمیمه های آن در اختیار
تشکیلات قرار داده شد تا نسبت به این مسئله
تحقیقات لازم بعمل آید. در ضمن مبلغ دو هزار
پیزوی ارسالی شما هم رسید. نشریه کار به
ادرسی که داده بودید برایتان ارسال میشود و
بزودی اطلاعاتی در مورد شرایط آبونه نشریه
نیز برایتان فرستاده می شود. در خاتمه یکبار
دیگر از همکاری شما قدردانی میکنیم و برایتان
آرزوی موفقیت داریم.

پاکو _ رفیق عزیز ج _ نامه شما را که در آن
به دریافت منظم نشریه کار و تکثیر و توزیع آن
در بین کارگران مهاجر ایرانی، پناهجویان و

**با کمک های مالی خود
سازمان را یاری رسانید**

کمیته های کارخانه را در هر کارخانه و کارگاه ایجاد کنیم

سیاستها، روند خصوصی سازیها بازهم تشديد شده و هزینه های رفاهی کارگران بیش از پیش کاهش خواهد یافت. این درحالیست که بیش از ۵۵ درصد جمعیت این کشور زیرخط فقر زندگی می کنند. از دیگر پیشنهادات دولت، انجام دستمزدهادریکسال آینده است. به گفته کارگران، اینها درواقع شروعی است که صندوق بین المللی پول، پرداخت وام ۲۰۷ میلیارد دلاری خود به دولت کلمبیا را به آنها مشروط نموده است. در این روز اعتصابیون خواهان توقف خصوصی سازی ها و عدم پرداخت بدھی این کشور به صندوق بین المللی پول شدند.

کارگران نیجریه ای کارخانه گازاین کشور را اشغال نمودند

در اوائل اکتبر، صدها تن از کارگران کارخانه ملی گاز نیجریه در اعتراض به اخراج کارگران، ساختمان کارخانه را به اشغال خود در آوردند. کارگران خواهان تخصیص سهمیه ثابتی جهت اشتغال کارگران بومی شدند. در دو مین روز اعتصاب، کارگران، بیندر Hortcourt که محل بارگیری کالاهاست را نیز به تصرف درآوردند. در نتیجه این حرکت یکپارچه و موثر کارفرمایان وارد مذاکره با اعتصابیون شدند.

لازم به ذکر است که کارگران هشدارداده بودند که در صورت ورود نیروهای نظامی، کارخانه را به آتش خواهند کشید. این اولتیماتوم، پاسخی به سرکوب نیروهای ارتش در اوائل ماه سپتامبر در این کشور بود. روز ۹ سپتامبر پلیس ضد شورش ضمن حمله زمینی و هوایی به کارگران بارانداز که به منظور افزایش دستمزد دست به رسانده بود.

افزایش بیکاری در میان زنان اروپای شرقی و شوروی سابق

بنا بر آمار منتشره ازسوی یونیسف، ۱۴ میلیون زن طی ده سال گذشته در کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق بیکارشده اند. مجموع بیکاران در این کشورها طی دوره فوق ۲۵ میلیون نفر شده است.

در این گزارش همچنین بر تنزل سطح امکانات بهداشتی، تخصیلی و شغلی زنان در این کشورها تأکید شده است.

پیام فعالین سازمان دردانمارک پیرامون قتل یکی از فعالین اتحادیه کارگری به دست فاشیت ها

پیام همبستگی با اتحادیه SAC

رقا!

با کمال تأسف مطلع شدیم که روز سه شنبه ۱۲ اکتبر، Soderberg یکی از فعالین اتحادیه شما در مقابل منزل خود به طرز فجیعی به قتل رسید. این قتل توسط جانیان نازی انجام گرفته و Bjorn به دلیل فعلیهای خود علیه نازیسم، این ننگ جامعه بشتری، جان خود را ازدست داد. Bjorn از بیشمار مبارزان کارگری بود که برای

مغولستان، با تعطیل کارها به خیابانها آمد و بعد از راه پیمایی در خیابانها، در میدان مرکزی شهر گرد آمدند و خواستار بهبود فوری شرایط کارخود شدند.

* روز ۶ اکتبر نیز هزاران کارگر در بلژیک، فرانسه و آلمان در مدخل ورودی این ۳ کشور به لوکزامبورگ تجمع نموده و با مسدود نمودن راههای ارتباطی، خواستار رسیدگی فوری به خواسته های خود شدند.

اعتراض کارگران در برزیل

روز ۲۶ ژوئیه صدها کارگر، دهقان بی زمین زحمتکش سرخپوست، در اعتراض به وضعیت فلاکتیبار میلیونها نفر در برزیل، یک راه پیمایی بطول ۱۶۰ کیلومتر را آغاز نمودند. روز ۱۷ اکتبر، شرکت کنندگان در این راه پیمایی وارد پایتخت این کشور، شهر برزیلیا شدند. در همین رابطه هزاران نفر از کارگران با فراخوان چند اتحادیه کارگری کارها را تعطیل نموده، و در مقابل بانک مرکزی برزیل تجمع نمودند. کارگران در این گردهم‌آئی خواستارقطع فوری برنامه های اقتصادی شدند که مستقیماً ازسوی صندوق بین المللی پول به دولت این کشور دیکته می شود.

اعتصاب عمومی در پرو

روز ۱۴ اکتبر، ده ها هزار نفر از کارگران در سراسر پروردست به یک اعتضاب ۲۴ ساعته زدند. این حرکت در اعتراض به سیاست های دولت این کشور بود که به گفته کارگران نتیجه ای جز افزایش بیکاری و تشید فقر و فلاکت نداشته است.

اشغال کارخانه توسط کارگران

روز ۱۴ اکتبر، صدها نفر از مامورین گارد ویژه پلیس، به دستور مستقیم مقامات دولتی، به کارخانه کاغذسازی واقع در ۸۰ کیلومتری شمال غربی لینینگراد، یورش برده و تلاش نمودند که این کارخانه را از اشغال کارگران درآورند. این کارخانه کاغذ سازی، همزمان با باز شدن پایی سرمایه داران غربی در روسیه، به یک شرکت انگلیسی فروخته شد، صاحبان جدید، به کارگران و عده دادند که بزودی تمام دستمزدهای معوقه کارگران پرداخت خواهد شد. یکسال گذشت و نه تنها هیچ خبری از دستمزدها نشد بلکه کارگران متوجه شدند که کارفرمایی جدید قصد اخراج تعدادی از کارگران را دارد. اطلاع از این خبر، کاسه صبر کارگران، این کارخانه را ازمه فوریه به اشغال خود درآورده و اعلام نمودند تا پرداخت دستمزد های معوقه خود، کارخانه را ترک نخواهند کرد. در یورش اخیر مامورین پلیس، ۸ کارگر در یکی از ساختمانهای اداری به گروگان گرفته شدند. در مقابل، ۵۰۰ کارگر خشمگین این ساختمان را محاصره کرده و اعلام نمودند تا آزادی رفقای خود، به ماموران پلیس اجازه نخواهند داد که این محل را ترک کنند.

اعتصاب ۷۰۰ هزار نفر در کلمبیا

روز ۱۴ اکتبر، ۷۰۰ هزار نفر کارگر و کارمند بخش های مختلف دولتی، دست به یک اعتضاب ۲ ساعه زدند. یکروزه زدنده این کشور به گفته ورودی به این سیاست های اقتصادی دولت انجام گرفت. براساس این



اعتراض کارگران در لهستان

روز ۲۴ سپتامبر، ۳۰ هزار نفر از کارگران در اعتراض به کاهش حق بازنشستگی، خدمات درمانی و رفاهی میلیونها کارگر، به خیابانهای شهر ورشو آمدند و دست به راه پیمایی زدند. در این روز کارگران معدن، کشاورزی، هزاران پرسنل و معلم در مقابل پارلمان این کشور تجمع نموده و با به آتش کشیده پرچم اتحادیه اروپا خشم خود را به نمایش گذارند. سرمایه گذاری دول اروپائی در این کشور، طی سال گذشته موجی از اخراج در کارخانجات و موسسات تولیدی را به دنبال داشته است.

هشدار کارگران به دولت

با فراخوان اتحادیه های کارگری، روز ۲۵ سپتامبر بیش از ۴۰ هزار کارگر در شهر برایتسلاو مرکز جمهوری اسلواکی، تجمع نموده و در اعتراض سیاستهای اقتصادی دول دست به راه پیمایی زدند.

*

اعتصاب ۱۰۰ هزار راننده در سراسر جهان

به دعوت اتحادیه جهانی کارگران حمل و نقل، روز ۵ اکتبر، بیش از ۱۰۰ هزار نفر از راننده این بویس و کامیون، در ۵۰ کشور مختلف جهان، از نروژ تا مغولستان و از آرژانتین تا زیمبابوه در اعتراض به شرایط طاقت فرسای کارگران جدید، به کارگران و عده دادند که روزانه دست به راه پیمایی یک رشته حرکات اعتراضی تحت عنوان "خشکی مرگ آور است" زدند.

* در فرانسه، در ۲۰ نقطه مختلف راننده این حرکت آرام، دست به ایجاد راهبندان زده و با ایجاد صف طولانی از صدها اتوبوس و کامیون، عبور و مرور در جاده ها را مختل نموده و نا رضایتی خود را از شرایط فعلی کار به نمایش گذاشتند.

* در شهر استراسبورگ، پل ارتباطی "اروپا" توسط حد های راننده مسدود شده و در ایتالیا، راننده این زحمتکش ۵ نقطه ورودی به این کشور را مسدود نموده و از عبور و مرور هزاران اتو میل جلوگیری کردند.

* در نروژ، ۱۶ هزار نفر از کارگران حمل و نقل، در شهر اسلو و ۷ شهر دیگر این کشور دست به یک اعتضاب ۲ ساعه زدند.

* در زیمبابوه، هزاران کارگر در خیابانهای شهر تجمع نموده و با راه پیمایی در خیابانها خواهان بهبود شرایط کارخود شدند.

* و بالاخره در این روز، هزاران کارگر حمل و نقل، در شهر اولانباتور، مرکز جمهوری

رفرمیست بود. کنفرانس اول کمیته های کارخانه پتروگراد، جهت گیری قطعی کارگران را بسوی حزب بلشویک و برپائی انقلاب سوسیالیستی نشان داد. در کنفرانسهاي بعدی کمیته های کارخانه نیازکثیر بشویکي قوی تر و قوی تر شد . مسائل مورد بحث نیز در کنفرانس های بعدی "عمدتاً" مسائلی بود که در کنفرانس اول مورد بحث قرار گرفت و علاوه براین مسائل سیاسی مربوط به اوضاع سیاسی روسیه، در دستور کار قرار گرفت.

میلیشیایی کارگری و گارد سرخ

میلیشیایی کارگری به نحوی بافعالیت کمیته های کارخانه ارتباط داشت. در جریان سرنگونی تزاریسم و برچیده شدن تشکیلات پلیس و ژاندارمری، کارگران مسلح شدند وبا تشکل دروازه های میلیشیایی کارگری برقراری نظام انقلابی و محافظت از محلات، شهرها و کارخانه ها را بر عهده گرفتند. حزب بلشویک از مسلح شدن هرجه بیشتر کارگران و گسترش و تحکیم میلیشیایی کارگری دفاع می کرد. لذا در هر کجا که بلشویکها در شوراهای قدرت بیشتری داشتند، نقش میلیشیایی کارگری برجسته تر بود. در آن دسته از شوراهای منشویکها و اس ارها قدرت بیشتری داشتند، میلیشیایی مدنی وابسته به دوامی شهری و ناحیه ای که تحت نفوذ و حکومت موقت دوماً قرار داشتند، تقویت شده بود. در این میان در هر کجا که کمیته های کارخانه تشكیل میشد، سازماندهی میلیشیایی کارگری یک از وظایف کمیته های بود. معمولاً "کمیته های کارخانه یک کمیسیون میلیشیایی تشکیل میادند. و کمیسراهایی را برای نظارت بر کارمیلیس ها تعیین می نمودند. تعداد زیادی از کارگران کارخانه ها عضو میلیشیا بودند. در برخی از کارخانه های بزرگ تعداد اعضاء میلیشیا به چند هزار نفر میرسید. احزاب منشویک و اس ار که از رشد و قدرت گیری سریع میلیشیایی کارگری نگران بودند، از همان آغاز، اقداماتی را علیه آن سازمان دادند. در ۷ مارس کمیته اجرائی شورای پتروگراد که اکثریت آنرا سازشکاران تشکیل میادند، تصمیم به احلال میلیشیایی کارگری در میلیشیایی وابسته به دوامهای شهری گرفت و خواهان ادغام میلیشیایی کارگری در دیگری شد. روشن بود که هدف از این کار درهم شکستن قدرت کارگران مسلح است. لذا این تصمیم با مخالفت شدید توده های کارگر، کمیته های کارخانه و حزب بلشویک رو برو گردید . با وجود فشاری که از سوی دولت موقت و کمیته اجرائی به کارگران وارد آمد و حتی به کارفرمایان دستور داده شد، دستمزد میلیس های کارگری را قطع کنند تا به عضویت میلیشیایی وابسته به دوما در آیند ، اما اغلب کارگران ایستادگی کردند و تسليم نشدند. آنهایه حیات و موجودیت خود ادامه دادند و در ۲۷ مه نخستین کنفرانس میلیشیایی کارگری پتروگراد را برگزار کردند. این کنفرانس هرگونه تلاش برای ازبین بردن میلیشیایی کارگری را محکوم و پیشنهاد بلشویک ها را برای تجدید سازماندهی میلیشیایی کارگری بعنوان یک مرحله کذار به میلیشیایی خلقی و تسليح عمومی تمام جمعیت پتروگراد تصویب کرد. این تصمیم مورد تائید توده های کارگر و اغلب کمیته های کارخانه قرار گرفت. واحد های میلیشیایی کارگری یک کنفرانس دیگر در ۳ ژوئن تشکیل دادند و یک شورای میلیشیایی خلقی پتروگراد انتخاب نمودند که از هفت نفر بلشویک، یک آنارشیست و لاقل یک اس ار چه تشکیل شده بود. (۲۴)

علاوه بر واحد های میلیشیایی کارگری ، پس از انقلاب واحد های نظامی کارگری دیگری نیز شکل گرفته بودند که خود را گارد های سرخ می نامیدند. گارد های سرخ وظیفه خود را دفاع از انقلاب و منافع کارگران اعلام کرده بودند. گارد های سرخ را آگاه ترین و پیشرو ترین کارگران که "عمدتاً" بلشویک بودند، تشکیل می دادند.

" در ۲۸ آوریل ۱۵۶ نماینده از ۹۰ کارخانه که اکثر آنها به احزاب سیاسی وابسته بودند، یک کنفرانس تشکیل دادند تا در مورد ایجاد بیشتر واحد های سرخ بحث و تصمیم گیری کنند." (۲۵)

کمیته اجرائی شورای پتروگراد تشکیل این کنفرانس را محکوم کرد و آنرا اقدامی از سوی بلشویک ها معرفی نمود. معهداً گارد های سرخ به سرعت گسترش یافتند و تدریجاً واحد های میلیشیایی کارگری نیز خود را گاردسرخ نامیدند. میلیشیایی کارگری و گارد های سرخ تا رویدادهای ماه ژوئیه به حیات علنی خود ادامه دادند. در جریان تظاهرات و بحران ژوئن، حکومت ائتلافی موقع از فرستاده کرد تا این واحد های سرخ کارگری را از میان بردارد. اما موفق نشد ، این واحد های مخفی شدند و همین واحد های مسلح کارگری بودند که در جریان انقلاب سوسیالیستی اکثر نقش مهمی در سرنگونی حکومت بورژوازی ایفا نمودند.

رویدادهای ژوئیه و پایان قدرت دوگانه

تشکیل حکومت ائتلافی در پی بحران آوریل نیز نتوانست بحران را مهار دو صفحه ۱۳

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری

فعالیت کمیته های کارخانه، انجام برخی وظایف پوتیلف اولین موسسه ای بود که در آن کمیته های کارگاه تشکیل شدند. در اینجا حدوداً " ۴۰ کمیته کارگاه وجود داشت که وظیفه آنها دفاع از کارگران کارگاه ، سازماندهی و نظارت بر نظم درونی کارگاه ، نظارت دقیق بر شرایط کار ، کنترل استخدام و اخراج، حل منازعات برسر مسئله دستمزد و نظارت بر اجرای مقررات بود. در دستورالعمل کمیته های کارگاه تأکید شده بود و کمیته های کارگاه تابع کمیته کارخانه اعلام شده بودند. (۲۰) در برخی از کارخانه های تصمیمات کمیته های کارگاه می باشیست به تصویب کمیته کارخانه بررسید. کمیته های کارخانه و کنترل کارگری، نقش بسیار مهمی در بسط مبارزه طبقاتی پرولتاریای روسیه، دمکراتیک کردن محیط کارخانه، مقابله با استبداد سرمایه و مقابله با از هم گسیختگی اقتصادی اتفا نمودند. اما اهمیت آنها بسی فراتر از این بود. کارگران از طریق کنترل تولید و وظایف مرتبط با آن، مهارتهاي مدیریت را کسب نمودند و با این تجربه برای بدست گفتن قدرت و برقاری مدیریت کارگری آماده شدند . تا تابستان ۱۹۱۷، ۲ میلیون و هشتاد هزار کارگر یعنی سه چهارم پرولتاریای صنعتی، در جنبش کنترل کارگری مشارکت داشتند. (۲۱)

کمیته های کارخانه از همان بدو موجودیت دریافتند که نمیتوانند بدون همانگ کردن فعالیت های خود با کمیته های دیگر، وظایف خود را انجام دهند. از همین رو آغاز به ارتباط با یکدیگر، تبادل نظر و تشکیل جلسات مشترک و تصمیم گیریهای مشترک نمودند. این روند نخست ازموسسات بزرگ دولتی آغاز گردید. این نیاز به همانگ از همانگی از نیاز به تمرکز فعالیت های پراکنده ناشی می شد. تا ماه آوریل روند همانگی تا بدانجا پیش رفته بود که کمیته عالی نمایندگان کمیته های کارخانه در موسسات دولتی کارخود را آغاز نمود. در همین حال روند همانگی فعالیتهای کمیته های کارخانه در هر ناحیه پایتحث نیز در حال پیشرفت بود . نخستین شورای ناحیه ای کمیته های کارخانه در ۲۹ مارس در جزیره واسلویسکی ایجاد گردید. یک شورا نیز در ماه مه در ناحیه نویسکی تشکیل شد که ۳۴ کمیته کارخانه را نمایندگی می کرد. (۲۲) کارگری از جمله مسائل مالی و فنی و تولید، نظارت بر امرور مدیریت ، مواد خام و سوخت، کمک میکردن. روند شکل گیری شوراهای ناحیه ای کارخانه در ادامه خود به تشکیل شورای مرکزی کمیته های کارخانه پتروگراد انجامید که بلا فاصله پس از کنفرانس اول کمیته های کارخانه تشکیل گردید . این شورا که از ۹ بلشویک، ۲ منشویک، ۲ اس ار، یک سندیکا لیست و یک نفر از سوسیال دمکرات های گروه بین المناطق ترنسکی تشکیل شده بود، وظیفه همانگی کنترل کارگری بر تولید را بر عهده داشت. شورای مرکزی، کمیسیونها و دپارتمانهای متعددی برای انجام وظایف خود ایجاد کرد که به مسائل ارتباط و پرسنل، اقتصاد ، مالی، انتشارات ، تبلیغ، منازعات کارگری، کنترل فنی - تولید، سوخت و انرژی ، تخلیه، تجهیزات کشاورزی برای روستاهای امور فرهنگی و آموزشی می پرداختند. این شورا نقش مهمی در همانگی و تمرکز فعالیت کمیته های کارخانه ایفا می کرد. کمیته های کارخانه ۵ کنفرانس تجمعه ای کارخانه های پتروگراد بود و آخرین آن که تا ۲۲ اکتبر برگزار شد، کنفرانس سراسری کمیته های کارخانه روسیه بود. در کنفرانس اول کمیته های کارخانه پتروگراد که در فاصله ۳۶۷ کمیته کارخانه ۳ ژوئن تشکیل شد، نمایندگان کارخانه حضور یافته بودند. (۲۳) در این کنفرانس وضعیت صنایع در پتروگراد، غیر نظامی کردن صنایع، کنترل و تنظیم تولید، مسئله بیکاری و نقش و وظایف کمیته های کارخانه مورد بحث قرار گرفت . در این کنفرانس که از یک اکثریت بلشویکی برخوردار بود، قطعنامه لین در مورد ضرورت اقداماتی برای مقابله باز هم گسیختگی اقتصادی به تصویب رسید. در این قطعنامه با اشاره به از هم گسیختگی اقتصادی و خطراتی که زندگی میلیون ها انسان را تهدید میکرد، تنها راه مقابله با فاجعه، برقراری موضع کنترل بر تولید و توزیع کالاهای بازیابی تمام دفاتر بارزگانی برای وارسی، بسط کنترل کارگری به تنظیم کامل تولید و توزیع کالا توسعه کارگران ، بسط کنترل به عملیات مالی و بانکی، کار موظف همکانی، تحکیم میلیشیایی کارگری، ایجاد میلیشیایی خلقی سراسری و انتقال تمام قدرت به شوراهای اعلام شده بود. این که از همان آغاز بلشویک ها در اغلب کمیته های کارخانه نمایندگان مستحکمه پیدا کرند و در کنفرانس اول حدود سه چهارم حمایت میکردن کمیته های کارخانه بلشویک بودند، یا از حزب بلشویک حمایت داشتند بیانگر رادیکالیسم توده های کارگر و رویگردانی سریع آنها از جریانات

ها نیز جانبدار موضع و سیاست های حزب بلشویک بودند. در مورد کمیته های کارخانه نیز دیدیم که از همان نخستین کنفرانس، بلشویکها از یک اکثریت قوی برخوردار بودند و در آخرین کنفرانس نیز متجاوز از سه چهارم نمایندگان از موضع و خط مشی بلشویک ها دفاع نمودند. همانگونه که نفوذ و اعتبار بلشویکها در میان کارگران بسیط و توسعه می یافتد، بر تعداد اعضاء حزب بلشویک نیز افزوده می شد. در اواخر ماه فوریه ۱۹۱۷، تعداد اعضاء حزب بلشویک ۲۴۰۰۰ بود. رشد حزب در ماههای پس از انقلاب چنان سریع بود که تا پائیز تعداد اعضاء حزب بلشویک به ۳۵۰۰۰ رسیده بود. حدود ۶۰ درصد اعضاء حزب را آگاه ترین و پیشترین کارگران روسیه تشکیل می دادند. (۲۲) در همین حال که اکثریت کارگران، احزاب رفرمیست و سازشکاررا طرد میکردند و سیاست های انقلابی حزب بلشویک را تائید می نمودند. مبارزه انقلابی اعتلا می یافت و اعتصابات و سیعی سراسر روسیه را فرا گرفت. در اورال در فاصله ژوئیه تا اکتبر ۲۰۹ اعتصاب ۲۰۹ پیوست که شامل ۶ اعتصاب اقتصادی، ۷۱ اعتصاب سیاسی و ۷۸ اعتصاب با مطالبات اقتصادی سیاسی بود. ۱۳۸۱۴۴ کارگر در این اعتصاب شرکت کردند. . . در اعتصاب عمومی سیاسی اول سپتامبر بیش از ۱۱۰۰۰ کارگر شرکت کردند. خواست کارگران تشکیل فوری کنگره سراسری شوراها بود . . . در پایان سپتامبر، اعتصاب عمومی کارگران راه آهن و کارگران نفت باکو بوقوع پیوست. در اعتصاب تودهای کارگران معادن دو نیاس در سپتامبر واکتیر، ۲۸۰۰۰ کارگر شرکت کردند. معدنچیان با مصادره چندین معدن، مالکین آنها را که از خواست کنترل کارگری سر باز زده بودند توقیف نمودند . . . در اوت اعتصاب دباغان مسکو آغاز گردید که در چندین شهر دیگر مورد حمایت کارگران قرار گرفت و در سپتامبر به یک اعتصاب عمومی تبدیل شد . . . در اعتصاب عمومی کارگران راه آهن متباور از صد هزار کارگر دست به اعتصاب زدند. در اکتبر اعتصاب کارگران نساجی منطقه مرکزی بوقوع پیوست که ۳۰۰۰ کارگر به اعتصاب دست زدند. کارگران فلز کار خارک، تولا، نیز نووگرود و دیگر شهرها نیز به اعتصاب متول شدند. در همه جا مطالبه انتقال قدرت به شوراها در دستور کار بود." (۲۳)

تدارک قیام مسلحانه و انقلاب سوسیالیستی اکتبر

گسترش اعتصابات، اعتلا، انتقال قدرت به شوراها از این روز افزاش کارگری، احیاء مجدد شوراها، افزایش احزاب منشویک و اس ار و تمایل اکثریت عظیم کارگران به حزب بلشویک، نشان می داد که اوضاع برای سرنگونی بورژوازی و کسب قدرت سیاسی توسط کارگران آماده است. بلشویک ها که پس از رویدادهای ژوئیه و پایان قدرت دوگانه شعار تمام قدرت به شوراها را از دستور کار خارج کرده بودند، با تغییر اوضاع پار دیگر شعار تمام قدرت به شوراها را مجدداً مطرح کردند. اما طرح این شعار در شرایط نوین، معنای دیگری جز قیام مسلحانه نداشت. حزب بلشویک که از حمایت و پشتیبانی اکثریت عظیم کارگران برخوردار شده بود و شرایط عینی انقلاب را آماده می دید، تدارک نظامی قیام را در دستور کارقرارداد. حزب بلشویک تعداد هرچه بیشتری از کارگران را مسلح کرد. سازماندهی واحدهای تازه ای از گاردنهای سرخ را آغاز نمود، واحدهای بلشویک پادگان پتروگراد، و ناویان بلشویک ناوگان بالتیک آماده شدند. اجلas دهم اکتبر کمیته مرکزی حزب بلشویک که لذین نیز درحالی که مخفی بود در آن شرکت نمود، همه شرایط داخلی و بین المللی را برای برپایی قیام مسلحانه کارگران و کسب قدرت مناسب دید و قطعنامه ای در این باره صادر کرد.

۱۶ اکتبر جلسه وسیع کمیته مرکزی باشرکت نمایندگان کمیته پترو-گراد، کمیته های کارخانه و سندیکاهای کارگری تشکیل شد و قطعنامه کمیته مرکزی در باره قیام مسلحانه را تائید کرد. (۲۴)

روز ۲۴ اکتبر، قیام سازمانیافت پرولتاریای روسیه تحت رهبری حزب بلشویک آغاز گردید. واحدهای گارد سرخ کارگران سریعاً تمام مناطق اصلی شهر را به تصرف خود در آوردند. واحدهای پادگان پتروگراد طرفدار بلشویک ها و نیز ناویان ناوگان بالتیک دوش به دوش کارگران می چنگیدند. تا صبح روز ۲۵ اکتبر تقریباً تمام شهرهای تصرف کارگران در آمدند بود. ۱۰ صبح روز ۲۵ اکتبر پیام کمیته نظامی انقلابی که قیام را رهبری میکرد، خطاب به شهروندان انتشاریافت. در این پیام اعلام گردید که "کنگره حکومت وقت خلع شده است. قدرت دولتی در دست ارگان شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد" کمیته نظامی قرار گرفته است که پرولتاریای پتروگراد و پادگان را رهبری میکند. کمیته نظامی انقلابی خواستار برقراری قدرت شوراها در همه جا گردید. (۲۵) قیام تا شب ۲۵ اکتبر، کاملاً پیروز شده بود. در همان شب یعنی دقیقاً در ساعت ده و چهل دقیقه بعد از ظهر دومین کنگره شوراهاي نمایندگان کارگران و

۱۲ ازصفحه کند. عدم تحقق مطالبات توده ها روزی بزرگداشت نارضایتی و اعتراض می افزو. اعتصابات کارگری مجدداً رو به افزایش نهادند. کارگران با ابتکار عمل خود برای تحقق مطالباتشان میکوشیدند. جنبش دهقانان برای مصادرهای اراضی پیوسته گسترش میافت. سربازان خواهان پایان یافتن جنگ بودند. حکومت انتلاقی برای مهار جنبش دست به تعرض در جبهه ها زد. اما شکست و عقب نشینی، نارضایتی را افزون تر نمود. تجلی این نارضایتی توده ای، تظاهرات گسترده ۴ ژوئیه بود که بار دیگر حدوذا" نیم میلیون تن به خیابانها ریختند. در این تظاهرات که بلشویکها نقش اصلی را در سازماندهی آن داشتند، شumarمرگ بر حکومت موقت، تمام قدرت به شوراها، اصلی ترین شعار بود. در جریان این تظاهرات سربازان نیز به کارگران پیوستند. حکومت موقت که موقعیت خود را بحرانی دید، سرکوب رادردستور کارقرارداد. تظاهرات کارگران و سربازان را به خون کشید. ۵۴ تن کشته و ۴۵۰ نفر زخمی شدند. (۲۶) در پی این سرکوب، ضدانقلاب دست به یک تعرض وسیع زد. حالت اضطراری اعلام شد. نیروهای وفادار به دولت از جبهه فراخوانده شدند. دستگیری کارگران، خلع سلاح میلیشیای کارگری، و سرکوب سربازانی که در تظاهرات شرکت کرده بودند، آغاز شد. بلشویکها در معرض فشار و بازداشت قرار گرفتند. فعالیت علی آنها منع و مطبوعات انتشار شد. درینجا دیگر عمل "تمام قدرت به ضد انقلاب منتقل گردید و شوراها تحت رهبری احزاب منشویک و اس ار به زائده دولت بورژوازی تبدیل شدند. قدرت دوگانه پایان یافت. اما این نیز به معنای پایان بحران نبود. اوضاع و خیم تراز آن بود که بورژوازی از طریق حکومت انتلاقی بتواند بر بحران غلبه کند. اعتراضات کارگری دائمی افزایش می یافت. کارگران در چندین کارخانه دست به اعتصاب زده بودند. حزب بلشویک فراخوان یک اعتصاب عمومی را صادر کرد. در ۱۲ اوت مجاوز از ۴۰۰ هزار کارگر دست به اعتصاب زدند. (۲۷) بورژوازی به آخرین حریه متول شد، کودتای نظامی در دستور کار قرار گرفت. روز ۲۵ اوت، سرفرمانده ارتش، ژنرال کورنیلوف نیروهای خود را از جبهه بسوی پتروگراد به حرکت در آورد. به محض این که کارگران از این رویداد باخبر شدند به حرکت در آوردند. واحدهای جدیدی از گارددهای سرخ تشکیل شد. بلشویک ها که ابتکار عمل را به دست گرفته بودند، بخش های وسیع تری از کارگران را مسلح کردند. مبارزه همه جانبه توده های کارگر، به همراه واحدهای گاردسرخ و ناویان طرفدار حزب بلشویک، کودتا را در هم شکست. با سرکوب کودتا اوضاع بار دیگر تغییر کرد. اکنون دیگر صحت گفتار و سیاستهای حزب بلشویک حتی بر عقب مانده ترین بخش کارگران روشن گردید. اکثریت عظیم کارگران به حزب بلشویک گرایش یافتند. فعالیت شوراها دوباره احیا شد. در انتخابات میاندوره ای شوراهاي شهر و ناحیه پتروگراد که در سپتامبر و اکتبر برگزار شد، کارگران نمایندگان منشویک و اس ار را از شوراها فراخواندند و به جای آنها نمایندگان بلشویک را به شوراها فرستادند. حتی تا اوخر ماه اوت، قدرت بلشویکها تا به آن حد رشد کرده بود که در ۲۱ اوت شورای پتروگراد، قطعنامه بلشویکی قدرت به شوراها را تصویب نمود. در ۵ سپتامبر نیز شورای مسکو این قطعنامه را پذیرفت. این قطعنامه سپس توسط تعادی از شوراها در شهرها و مناطق دیگر به تصویب رسید. تا اول سپتامبر ۱۲۶ شورای محلی حمایت خود را از انتقال تمام قدرت به شوراها ابراز داشته بودند. (۲۸) تا اکتبر تعداد آنها به ۲۵۰ رسید. (۲۹) در همین حال مبارزه طبقه کارگر اعتلا میافتد و اکنون دیگر بلشویک ها از حمایت و پشتیبانی اکثریت عظیم کارگران برخوردار بودند و اکثریت را در تشكیلهای کارگری به دست آوردند بودند. در حالی که در نخستین ماههای پس از انقلاب تعادل بلشویکها در شوراها محدود بود و درصد تعادل آنها "درشورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد کمتر از ۲/۴ درصد، درشورای نمایندگان کارگران مسکو ۲۲/۸ درصد، درصد اتحادیه های کارگران کیف در ۱۴ درصد و در شورای نمایندگان کارگران و سربازان خارک، ۱۲/۸ درصد بود" (۳۰) تا اکتبر، اکثریت نمایندگان را در همین حال مبارزه طبقه کارگر ها بشویک ها تشکیل میداردند. همین وضع درمورد اتحادیه های کارگری نیز صادق بود. در پی انقلاب فوریه اتحادیه های کارگری سریعاً رشد کرددند "درماه مارس و اوریل تعداد اعضاء اتحادیه های کمیته نمایندگان را در همین ترین شوراها بشویک ها پذیرفت" (۳۱) در اتحادیه های نیز همانند شوراها در نخستین ماههای پس از انقلاب، اکثریت را منشویکها و اس ارها و طرفداران آنها در دست داشتند و از سیاست منشویکها درمورد بیطرفی اتحادیه های درمبازه سیاسی دفاع میکردند. بشویکها در اتحادیه های دراقلیت بودند. اما با بسط و تعمیق مبارزه طبقاتی و گرایش روزافزون توده های کارگر به سیاست های انقلابی حزب بلشویک، جریانات رفرمیست در اتحادیه های نفوذ خود را از دست دادند و تا اکتبر اتحادیه

آکسیون های اعتراضی در خارج کشور علیه سفر خاتمی به فرانسه

هلند _ روز ۲۶ اکتبر به دعوت فعالین سازمان ما، دانشجویان ایرانی - هلند (هواداران چریکهای فدائی خلق ایران)، اتحاد چپ کارگری، کانون زندانیان سیاسی ایرانی در تعبید، هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) و جمعی از کمونیست های انقلابی، دفتر یونسکو واقع در آمستردام اشغال گردید. این محل از ساعت ۹ و نیم صبح الی یک و پانزده دقیقه بعد از ظهر در تصرف شرکت کنندگان بود. خبر حرکت در روزنامه های سراسی هلند و رادیو و تلویزیون انگلستان یافت.

در بخش هائی از اطلاعیه منتشره از سوی نیروهای فوق آمده است: "همزمان با افتتاح سی امین کنفرانس یونسکو در پاریس، در اعتراض به دعوت و سفر خاتمی به فرانسه، دفتر یونسکو را اشغال میکنیم. این اعتراضی است بدوده کشتار و سرکوب در ایران، اعتراض به کشتار اخیر نویسندها و سرکوب و حشیانه دانشجویان در تابستان سال جاری ... در چندین شرایطی، خاتمی در راس یک هیئت سیاسی - اقتصادی راهی فرانسه می گردد تا به بهانه شرکت در اجلاس یونسکو، به انعقاد قراردادهای استیوار اقتصادی دست زند. از این رو حضور سانسور گران، سرکوبیگران، مدافعين واپسگرایی، نابود کنندگان فرهنگ و هنر و آزاد اندیش در فرانسه، توهینی است آشکار به بشریت."

* _ روز ۲۷ اکتبر نیز کنسولگری فرانسه در آمستردام توسط گروهی موسوم به "انقلابیون کمونیست" با بمب های رنگی مورد حمله قرار گرفت که در نتیجه آن شیشه های ساختمان شکسته شد.

سوئیس _ روز ۱۳ اکتبر فعالین سازمان ما به اتفاق ۵ گروه سیاسی چپ، در برابر سفارت فرانسه در سوئیس اجتماع نموده و در اعتراض به سفرخاتمی به فرانسه دست به تظاهرات زدند. خبر این آکسیون در رسانه های گروهی ایرانی و سوئیسی انگلستان یافت.

دانمارک _ به دعوت فعالین سازمان ما، حزب کمونیست ایران، راه کارگر و منفردین چپ، روز ۲۷ اکتبر آکسیونی در مقابل سفارت فرانسه در کپنهاگ، در مکومیت سفر خاتمی برگزار گردید. شرکت کنندگان در این آکسیون همچنین متن اعتراضی را به خبرگزاری این کشور ارائه دادند.

استرالیا _ در اعتراض به حضور خاتمی، یک آکسیون اعتراضی به دعوت هواداران سازمان ما، اتحاد فدائیان، حزب رنجبران و تنی چند از منفردین در مقابل دفتر سازمان ملل در سیدنی برگزار شد.

سوئیڈ _ روز ۲۷ اکتبر در مقابل سفارت فرانسه در استکهلم یک تجمع اعتراضی علیه سفر خاتمی برگزار شد. در جریان این آکسیون یک نامه اعتراضی به سفارت خانه تحويل داده شد.

کانادا _ در پی فراخوان مشترک ۸ سازمان، حزب و نهاد، روز ۲۶ اکتبر، تظاهراتی در مقابل کنسولگری فرانسه در ونکوور برگزار شد. تظاهر کنندگان با دادن شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زنگ بر دولت فرانسه"، "هرگونه همکاری با دولت تروریستی جمهوری اسلامی مکوم است"، مخالفت خود را با سفر خاتمی به فرانسه به نمایش گذاشتند.

آلمان _ به دعوت کمیته هماهنگی نیروهای چپ و مترقبی، روز ۲۷ اکتبر تظاهراتی در مقابل کنسولگری فرانسه در فرانکفورت برگزار شد. شرکت کنندگان در این آکسیون نامه اعتراضی به معاون کنسولگری در مکومیت دعوت خاتمی تحويل دادند.

زیرنویس ها:

۱۱_ منتخب آثارلینین _ وظائف پرولتاریا در انقلاب ما _ ترجمه فارسی

۱۲_ جنبش بین المللی طبقه کارگر _ جلد سوم

۱۳_ ۲۹، ۲۷، ۱۳ _ تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی

۱۴_ ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰ _ جنبش بین المللی طبقه کارگر _ جلد ۴

در اعتراض به دعوت و حضور خاتمی در فرانسه، موجی از آکسیونهای اعتراضی در خارج کشور برداشت افتاد. هواداران و فعالین سازمان ما به همراه سایر نیروهای چپ و انقلابی در کشورهای مختلف با بدیهی تظاهرات، تحصن و دیگر اقدامات مبارزاتی به حضور خاتمی و دعوت دولت فرانسه از وی، اعتراض نمودند.

فرانسه _ پس از ماهها تدارک، به دعوت دهها گروه و سازمان چپ و انقلابی، اقدامات مبارزاتی در فرانسه برگزار شد. قبل از ورد خاتمی به فرانسه، نامه های اعتراضی به مقامات یونسکو ارسال و دعوت از خاتمی محکوم شده بود. هزاران کارت پستال در مکومیت دعوت و حضور خاتمی، به ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه ارسال گشته بود. از روز ۲۶ الی ۲۹ اکتبر همزمان با ورود و حضور خاتمی در فرانسه، تحصنی در "صحن حقوق بشر" پاریس برگزار شد. در آخرین روز تحصن، هزارها اطلاعیه و بیانیه اعتراضی در معابر عمومی توزیع گردید. خبر این آکسیون ها و سیما" از رسانه های گروهی فارسی زبان و خارجی منعکس شد.

در قطعنامه این آکسیون که به امضای قریب به سی سازمان و گروه سیاسی رسیده است، چنین آمده است :

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران ۲۰ سال پیش تا امروز :
 ۱) بیش از دهها هزار نفر زندانی سیاسی و عقیدتی را اعدام و سیاه چالهایش را مملو از آنان کرده است ;
 ۲) آپارتاید جنسی علیه زنان را قانونی و آنان ، یعنی نیمی از جامعه را از ابتدائی ترین حقوق محروم کرده است ;
 ۳) قوانین ارتقای اسلامی مانند سنگسار و قطع عضو را جاری و ترور و شکنجه را علیه مخالفان اعمال کرده است ;
 ۴) به سرکوب خلقها و بویژه خلق کرد پرداخته است ;
 ۵) کارگران و زحمتکشان را از حق تشکل و اتحادیه و اعتصاب منع کرده است ;
 ۶) به سرکوب و کشتار اقشار مختلف جامعه از جمله نویسندها و دانشجویان پرداخته است ;
 ۷) فعالیت تشکیلات، احزاب و سازمانهای سیاسی لائیک و غیر حکومتی را منع کرده است ;
 ۸) بیش از ۷۰٪ مردم را زیر خط فقر قرار داده است ;
 و با توجه به اینکه در موارد بالا رخ نداده است ;
 خاتمی تغییری محسوس در موارد اخیر و تحت ریاست جمهوری اسلامی ما شرکت کنندگان در تظاهرات امروز ، دعوت یونسکو و شیراک را از خاتمی اهانت به مردم ایران و تائید عملی آنان از بی حقوقی و سرکوب مردم ایران داشته و به شدت آن را محکوم میکنیم. ما خواهان محاکمه کلیه سران رژیم جمهوری اسلامی در دادگاهی بین المللی به جرم جنایت علیه بشریت هستیم .

مرگ بر جمهوری اسلامی _ زنده باد آزادی

لازم به ذکر است که آکسیونهای اعتراضی در پاریس، تحت شدیدترین اقدامات سرکوب گرانه پلیس فرانسه برگزار شد. در طی چند روز حضور خاتمی، در چندین محله پاریس، عمل "حکومت نظامی برقرار گردید. این اقدامات چنان گسترده بود که در برخی بامها، پلیس، تک تیرانداز مستقر نموده بود. همچنین ده ها نفر سرمهزهای آلمان و بلژیک توسط پلیس فرانسه برگردانده شدند.

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری

سربازان تشکیل گردید. ۶۵۰ نفر به نمایندگی از ۴۰۲ شورای شهری، ایالتی و ناحیه ای از سراسر روسیه، در گنگره حضور یافتند. (۲۶) کنگره با اکثریت قاطع پیامی را که لنین خطاب به کارگران ، دهقانان و سربازان نوشته بود، تصویب کرد . در این پیام گفته شده بود: "کنگره با انکا به اراده اکثریت عظیم کارگران، سربازان و دهقانان و یا انکا به قیام پیروزمندانه کارگران و پادگان پتروگراد، حاکمیت دولتی را به دست می گیرد.

کنگره مقرر میدارد: تمام قدرت حاکمه در محل ها به شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان که موظف به استقرار نظم انقلابی واقعی هستند، منتقل گردد." (۲۷)

۱۷_ منتخب آثار لنین _ ترجمه فارسی

(پایان)

پیچیدگی پرونده قتل های زنجیره ای در چه است؟

زنجبیره ای خلاصی یافت؟ پس از فلاخیان نوبت چه کسی است، رفسنجانی، خامنه‌ای؟ اینجاست که می‌توان به "پیچیدگی" قتل های زنجیره‌ای و یافتن آمران و عاملان آن بدای و وزارت اطلاعات، سازمان قضائی نیروهای مسلح و سایر ارگان های درگیر بی‌پرسد. پاسخگوئی به این مسئله بسیار "پیچیده" است چرا که قرار است به ذخوی مسئله قتل های زنجیره ای رفع و رجوع شود که نقش مقامات طرازویل جمهوری اسلامی در سازماندهی و تصویب آن پوشیده بماند. "پیچیدگی" پرونده قتل های زنجیره ای ناشی از آن است که سازمان دهنگان آن می‌خواهند حقیقت ساده‌ای را زیرآوار اطلاعیه های سراسر دروغ، توجیه و جملات بی‌ربط مدفعون سازند. تمام تلاش رژیم دریکسالی که از قتل های زنجیره ای میگذرد این بوده که از پاسخ به این سوالات ساده طفره رود:

– چه کسانی، کدام ارگان، ترورها را طراحی میکنند،
– کدام ارگان یا ارگان ها طرح ترورها را بطور نهائی تصویب میکنند،

– فتوای قتل ها را چه کسانی صادر میکنند،
– مجریان چه کسانی هستند؟

پاسخ این سوالات برای اکثربت عظیم توده های مردم، و روش‌تفکران روشن است. از همینروست که خشم و نفرت مردم نسبت به جنایات و حشیانه فوق، متوجه کلیت رژیم است و نه این یامعانون و این یا آن وزارتاخانه. سران رژیم هیچ راه گزینی از پاسخگوئی به این سوال که آمران و عاملان این قتل ها چه کسانی هستند، ندارند. هر تلاش زیونانه ای که طی یکسال گذشت برای پرده پوشی واقعیات به کار گرفته اند، نتیجه های عکس داده است، به ابهامات افزوده و انگشت اتهام را بسوی سران رده اول حکومت اسلامی نشانه رفته است. سران جمهوری اسلامی عامل اصلی ۲۰ سال کشتار، ترور و سرکوب هستند و دور نیست روزی که به جرم کشتار هزاران تن از مخالفان و از جمله قربانیان قتل های زنجیره ای، محکمه شوند.

احتیاج دارد چرا که پرونده پیچیده است. ۷ ماه از شکل گیری این پرونده گذشته بود که سران حکومت خواستند با طرح یک سناریو، مسئله را فیصله دهند. اعلام شد شخصی بنام سعید امامی (اسلامی) که "عامل اصلی قتل های زنجیره ای" بوده است، در زندان خودکشی کرده است. این سناریویی مضمک، خود مشکلات جدیدی برای رژیم ایجاد نمود. معلوم شد کی از عناصر "خدسر" و "محفلی"، معاون امنیتی وزارت اطلاعات و نزدیک ترین فرد به فلاخیان و زیر اطلاعات بوده است که ۸ سال معاونت امور را به عهده داشته و مستقیماً تحت مسئولیت او بوده است. وقتی در مراسم یادبود سعید امامی که حتی در درون رژیم نیز کسی باور نکرد او خود کشی کرده باشد – حدود ۴۰۰ تن شرکت کردن، و تقریباً چند از مقامات حکومت اشکارا او را شهید و قربانی نامیدند، تازه ابعاد "محفل" "خدسر" و وزارت اطلاعات اندکی هویدا شد. دست اندکاران، سعید امامی را "خدکشی" کردند، با این ایدی که از آشکار شدن نقش مقامات بالاتر او در سازمان دهی ترورها جلوگیری کنند. آنها بدون اینکه خود بدانند، با این اقدام، مسئله سازماندهی ترورها را به مقامی بالاتر از سعید امامی در سلسه مراتب دستگاه امنیتی و کلیت حکومت اسلامی ارجاع دادند. هنگامیکه مسئله چگونگی قتل های زنجیره ای و سازماندهی ترور مخالفان در حد معاونت امنیتی وزارت اطلاعات پاسخ نگیرد، به ناگزیر می‌باید در سطحی بالاتر پاسخ گفته شود بویژه آنکه با "خدکشی" سعید امامی، و "محفلی" بودن اقدامات او، کس دیگری پاسخگو خواهد بود. نفر بعدی فلاخیان است که ۸ سال و زیراطلاعات و مسئول مستقیم سعید امامی بوده و در دادگاه میکنوس هم به عنوان یکی از عاملان اصلی ترورها در خارج و داخل ایران از اونام برده شده است. اما سازمان دهنگان ترورها، گونه میتوانند مسئله قتل های زنجیره ای و ترور مخالفان را به فلاخیان ختم کنند، مگر میتوان کاسه ای واجبی به حلقوم او ریخت و از مخصوصه آمران و عاملان قتل های

پاسخ به سوالات

دست گرفته است، چگونه می‌تواند، بدون دست بردن به بینانهای جامعه موجود، قدرت را حفظ کند، پاسخی در میان نخواهد بود. در حقیقت این نخوه برخورد به انقلاب جهانی پرولتری در عمل به اینجا ختم خواهد شد که عجالتاً انقلاب و سوسیالیسم از دستور کار خارج شود و همه به انتظار روزی باید بشینند که پرولتریایی جهانی، به قیام جمعی عليه بورژوازی برخیزد و انقلاب جهانی پرولتری را متحقق سازد. اما در واقعیت اوضاع بین گونه پیش نمی‌رود، مبارزه طبقاتی در جریان است. تضادها تشید معین به کانون تضادها تبدیل شده است، انقلاب به وقوع میپیوندد. انقلاب پرولتری هم در واقع، عالی ترین بیان و تجلی مبارزه طبقاتی در مرحله ای معین است. وقتی که مبارزه طبقاتی به این مرحله میرسد که پرولتریا بورژوازی را سرنگون و قدرت را به دست میگیرد، پرولتریا برای این که بتواند قدرت سیاسی را حفظ کند، چاره‌ای جزاین ندارد که مبارزه علیه بورژوازی و سرمایه داری را تشید کند. راه دیگری جز این ندارد که در همان حال که با تمام قوا برای بریانی انقلاب پرولتری، به یاری پرولتریایی دیگر کشورهای سرمایه‌داری می‌شتابد، از بورژوازی خودی خلی ید کند و انقلاب اقتصادی را آغاز نماید. اما انقلاب اقتصادی معنای جزدگرگونی بنیادی مناسبات تولیدی موجود و الغل مالکیت خصوصی ندارد. این انقلاب اقتصادی که میخواهد مناسبات موجود را دگرگون سازد، می‌باید مناسبات تولیدی نوینی را جایگزین مناسبات سرمایه داری سازد. اقدام در این جهت، هیچ معنای دیگر جز اقدام به ساختمان سوسیالیسم نیست بنابراین روشن است که طبقه کارگر که دریک کشور واحد قدرت را به دست می‌گیرد، اگرچنان خواهد قدرت را سریعاً ازدست بدهد، راهی جزدست زدن به انقلاب اقتصادی و آغاز ساختمان سوسیالیسم در پیش ندارد. اما آیا وقتی که پرولتریا دریک کشور واحد سوسیالیسم را بنا میکند این به معنای پیروزی قطعی سوسیالیسم و برگشت ناپذیری آن است؟ خیر. این تلاش هنگامی قطعی و برگشت ناپذیر خواهد بود که طبقات بلکی محو شده باشند. اما محو طبقات، مادام که سرمایه داری بر جهان حاکم است، ممکن نیست. لذا پیروزی قطعی ساختمان سوسیالیسم در گرو و قوع انقلاب پرولتری و سرنگونی بورژوازی لائق در مهمترین کشورهای سرمایه داریست.

اما در مورد سؤال دیگرهم باید بگوئیم که دولت پرولتری ذاتاً دولت زوال یابنده است. دیگر دولت هم هنگامی کاملاً "زوال خواهد یافت و محو خواهد شد که طبقات محوشده باشند و اقدام در مقیاس جهانی به پیروزی رسیده باشد. اما در هر حال با هر پیشرفت انقلاب، دولت پرولتری باید بیش از پیش زوال باید. هیچ توازن قوایی در سطح جهانی نمی‌تواند، بهانه و توجیهی برای جایگزینی دولتی دیگری به جای دولت زوال یابنده گردد. اگر در جریان یک انقلاب پرولتری، دولت تدیریجاً "زوال پیدا نکند و بالعکس بیش از پیش به دولت معمولی تبدیل گردد، قطعاً در چنین حالاتی، جای خلق مسلح را ارتش حرفة ای مجزا از مردم و جای مردم و جای مردمی که خود باید مستقیماً اداره امور کشور را بر عهده داشته باشند، بوروکراسی ممتاز و مافق مردم گرفته است. اینجا دیگریاً دولت پرولتری رو برو نیستیم. بنا براین روشن است که هیچ تناقضی میان این که دولت پرولتری زوال یابنده است و در عین حال این دولت پرولتری خود را داشته باشد، وجود ندارد. بین المللی خود را داشته باشد، وجود ندارد.

روبرو هستیم که تدیریجاً کارکردهای سیاسی خود را از دست میدهد. این که خلق مسلح برای مقابله با دشمنان طبقاتی خود در مقیاس جهانی، و دفاع از انقلاب و سوسیالیسم باید از تجهیزات پیشرفت نظم ای هم برخوردار باشد، به هیچوجه

SAC پیام همبستگی با اتحادیه

برپایی جامعه انسانی در سراسر جهان با سرمایه Bjorn و مزدوران آن درنبرد هستند. وفاداری به آرمان های شریف انسانی خود تا بدان حد بود که حتی از بذل جان خود نیز در این راه دریغ نکرد.

جانیان نازی بدانند که تا زمانی که انسان های شریفی نظریر Bjorn زنده اند، هیچ جائی برای این مزدوران در میان ما انسانها نیست. ما یکبار در گذشته طعم شکست را به نازیها چشانده و در صورتی که تاریخ، برخلاف طبیعت خود، سر تکرار داشته باشد حاضریم کره ارض را یکبار دیگر برای همیشه از شر این عوامل هارسرمایه خلاص کنیم.

Bjorn در مبارزه میلیونها کارگر علیه سرمایه و عوامل آن زنده است.

زنده و جاوید باد خاطره

تمامی رهروان راه رهایی کارگران

زنده باده بستگی بین المللی کارگران سراسر جهان فعالیت سازمان فدائیان (اقلیت) _ دانمارک

پاسخ به سؤالات

یکی از رفقا از نشریه کارخواسته است که به دو سئوال وی پاسخ داده شود . سئوال اول این است که آیا از دیدگاه سازمان ، امکان سوسیالیسم دریک کشور وجود دارد؟ سئوال دوم هم به این مضمون است که اگر دولت پرولتری دولتی زوال یابندۀ است، در شرایطی که توازن قوا در سطح جهانی چنین امکانی را نمیدهد و ما مجبوریم که دولت قوی با تمام تجهیزات نظامی داشته باشیم ، سازمان شما چه پاسخ و راه حلی در قبال این تنقاضات ارائه میدهد؟

در پاسخ به سؤال نخست باید بحث را از این نقطه‌آغاز کنیم که ناموزونی رشد اقتصادی و سیاسی کشورهای سرمایه داری واقعیتی است اندکار ناپذیر. یا به گفته لنین ناموزونی رشد اقتصادی و سیاسی قانون بی‌چون و چرای سرمایه داریست. از این واقعیت چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟ این نتیجه که به علت همین ناموزونی ممکن است ابتدا در چند کشور سرمایه داری و یا حتی یک کشور واحد، تضادها به درجه‌ای تشدید شوند که موقعیت انتقالی پدید آید، طبقه کارگریه قیام‌علیه بورژوازی برخیزد. بورژوازی را سرنگون کند و انقلاب پدولتری به پیروزی برسد، حال آنکه پرولتارتیا اغلب کشورها هنوز در موقعیت نباشند که دست به انقلاب بزنند. تجربه نیز همین واقعیت را نشان داده است. حتی در دوران سرمایه‌داری رقابت آزاد، انقلاب کارگری فرانسه به وقوع پیوست و کمون پاریس ایجاد شد، بدون اینکه همزمان با آن انقلاب کارگری در دیگر کشورهای سرمایه داری به وقوع بپیوندد. در دوران سرمایه داری

انحصاری و بین المللی شدن هرچه بیشتر سرمایه نبین و قوع انقلاب پرولتاری روسیه، همین واقعیت را نشان داد. حالا سؤوال این است که اگر طبقه کارکر دریک کشور واحد قدرت را بدست گرفت و انقلابی در دیگر کشورهای سرمایه داری رخنداد چه باید بکند؟ آیا باید دست روی دست بگذارد و منتظر انقلاب در مقیاس جهانی یا لاقل در پیشرفت ترین کشورها باشد، یا در همانحال که با حمایت و پشتیبانی از پرولتارهای کشورهای دیگر برای وقوع انقلاب در دیگر کشورها تلاش می کند، باید دلگوکنی های سوسیالیستی را آغاز نماید و دست به تجدید سازمان دهی سوسیالیستی جامعه بزند؟

از آنجائی که انقلاب پرولتاری "ضمونا" یک انقلاب جهانی است و تنها در مقیاس جهانی می توان سرمایه داری را به شکلی قطعی برآورد نهاد، برخی ادعای میکنند که طبقه کارگر نه بیتواند و نه باید در یک کشور واحد دست به تجدید سازماندهی سوسیالیستی بزند و ساختمن سوسیالیسم را آغاز کند. بحث آنها نیز این است که طبقه کارگر در چنین حالتی باید بکوشیدر چارچوب مناسبات موجود، همچنان قدرت سیاسی را حفظ کند و ضمنن کمک به پرولتاری ای کشورهای دیگر برای سرنگوکنی یورژوازی، به انتظار وقوع انقلابات پرولتاری لائق در مهمنتین کشورهای سرمایه داری بشیند. حال اگر بهر علتی وقوع انقلابات پرولتاری در کشورهای سرمایه داری به تأخیر افتاد و پس از گذشت نزدیک به یک قرن از وقوع انقلاب سوسیالیستی اکثر در روسیه، حتی در یکی از کشورهای پیشرفت سرمایه داری انقلابی به وقوع نپیوست، طبقه کارگری که قدرت را به

در صفحه ۱۵

گرامی باد هشتاد و دومین سالگرد

انقلاب کبیر سوپریاپستی اکتبر !

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

୪୨ -୭୨ -୫୨୮୯୧୩୮୮

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail : info@fedaian-minority.org

<http://www.fedaian-minority.org>

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 331 nov1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی